

# مقصد ۲ اخبار ماه

هلال ماه ▲	۸
یادمان استاد فقید مرحوم آیه الله عمید زنجانی	۱۰
یاد اندیشه ▲	۱۲
یاد اعلام ▲	۱۲
یاد اندیشه ▲ درباره شیخ عباس قمی	۱۴
چهل سال پیش ▲	۱۶
اخبار تصویری ▲	۱۶
گفته‌ها ▲	۱۷
اخبار حوزه ▲	۱۸
جهان اسلام ▲	۱۸
خبرگزاری حوزوی ▲	۱۹
نگاه ماه ▲ او یک مفتاح بود	۲۰
گزارش ماه ▲ برنامه تلویزیونی سمت خدا	۲۲
مدار صفر درجه	۲۸

## ■ محرم؛ بیدارگر روح عالم

### هلال ماه

حسین بن علی علیه السلام در مکه بود که سیل نامه‌ها و پیک‌ها از جانب کوفه به سویش روانه شد؛ شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف، سران قوم و مردم عادی، همه و همه نامه نوشته و دعوتش کرده بودند به رهبری امت اسلامی. پیش از دوازده‌هزار نامه به محضر مبارکش رسیده بود؛ در یک روز ششصد نامه... و آقا اعتماد کرد به وعده کوفیان و امید بست به یاریشان... اما هنوز دلش آرام نبود. پسرعمویش مسلم بن عقیل را روانه کوفه کرد. اطمینان، یورش شده بود برای قیام.

پیش از حرکت، وصیت‌نامه‌ای نوشت و در آن انگیزه‌های قیام را این‌گونه برشمرد: اصلاح امور امت؛ امر به معروف؛ نهی از منکر؛ و پیروی از سیره جدم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و پدرم، علی علیه السلام.

کاروانی تشکیل داد از تمام خاندان و اهل و عیال و یاران صدیقش؛ و عازم کربلا شد... و کربلایی آفرید که وجدان دینی جامعه را بیدار نمود و جامعه روحشان را در زلال «تاسوعا» و «عاشورا» شستشو داد. قیامش آنچنان پرشور و مهیج بود که خاطرهاش هنوز با گذر زمان، غبار فراموشی نگرفته و نخواهد گرفت.

محرم، تجدید خاطره آزادمردی و شهادت‌طلبی مظلوم‌ترین شهید تاریخ است که با یاد قهرمانانی بی‌نظیر گره خورده، قهرمانانی که صفحات تقویم تاریخ، هرگز نظیر حماسه فداکاریشان را نخواهد دید.



## ■ مظلوم خاموش مدینه

به بهانه شهادت امام حسن مجتبی (ع)

نخستین میوه پیوند فرخنده علی و فاطمه بودی که تبسمت در نیمه رمضان سال سوم هجرت، آسمان تاریک مدینه را نور باران نمود و خانه علی را به نور دیدگانت چراغانی کرد.

هفت ساله بودی که داغ فراق پدر بزرگ مهربانی به نام «رسول الله» سینهات را ملتهب نمود و چه پشتوانه سترگ و بی نظیری را از دست دادی! بسیار خوانده ایم و شنیده ایم، که تو بخشنده بودی و بی آنکه مستمندی اظهار نیاز کند، حاجت نیازمندان را برآورده می نمودی. دلت این گونه آرام می گرفت که نیازمندی از اظهار نیاز عرق شرم نریزد و مذلت درخواست کمک، رخسارش را خجل نگرداند. چه سخا بودی و بخشنده! این معنای حقیقی احسان بود که در وجود با برکت شما خاندان کرامت تبلور یافته بود.

نقل است که در طول عمر شریف خویش دو بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا به نیازمندان بخشیدی و سه بار، ثروت خود را دونیم نمودی، نیمی را نگه داشتی و نیمی را در راه خدا انفاق کردی.

مهم ترین و حساس ترین مرحله زندگی پربرکت، ماجرای صلح با معاویه و کناره گیری اجباری از خلافت و حکومت اسلامی بود. صلحی که صلح اسلام در آن نهفته بود، اما دستمایه ای برای برخی کوتاه اندیشان شد تا سازشکارت بدانند! حال آنکه صلحت، انقلابی ترین نرمش تاریخ بود و زمینه ساز قیام عاشورا.

پدر گران قدرت امیرمؤمنان دو شیوه داشت در حکومت: خروش و نرمش؛ نرمش حکومتی علی را شما به کار گرفتید و خروش انقلابی اش را برادرت حسین.

مظلوم خاموش مدینه! عاقبت با توطئه معاویه، بر اثر مسمومیت در سن ۴۸ سالگی به درجه رفیع شهادت نائل گشتی و خورشید وجودت در خاک غربت زده بقیع آرامید.

■ روایتگر: محبوبه ابراهیمی

## ■ پیام آور انقلاب حسینی؛

به بهانه شهادت امام سجاد (ع)

قیام بی نظیر کربلا دو جنبه داشت: یکی ایثار خون و شهادت، دیگری ابلاغ پیام انقلاب و شهادت.

نیمه نخست را پدر بر عهده گرفت و نیمه دوم را پسر؛ عاشورا و سرزمین کربلا به رهبری و پرچم داری حسین بن علی و نثار خون شهیدایی گران قدر، انقلاب مورد نیاز جامعه اسلامی را بنا نهاده بود. اما علی بن حسین رهبر و علم دار ابلاغ پیام انقلاب حسینی بود که با سخنان آتشین و کوبنده، طبل رسوایی حکومت پلید اموی را کوبید. اگر این ابلاغ پیام حسینی نبود، انقلاب سیدالشهدا، گرفتار تحریف و دگرگونی توسط دشمنان می شد و فاقد پشتیبانی مردمی بود.

این گونه بود که سیدالسادین در لباس اسارت، همان قیامی را نمود که سیدالشهدا در لباس خون و شهادت.

کاروان سالار قافله اسرا بود و تکیه گاه اسیران در کوران مصائب و سختی ها. سال های پس از کربلا با گریه بر سالار شهیدان، زنده کننده خاطرات مبارزه پدر گران قدرش بود. فاجعه عظیم کربلا را مکرر یادآوری می نمود تا مبدا ظلم و جنایت حکومت اموی از خاطره ها پاک شود. تا چشمش به آب می افتاد می گریست؛ علت را که می پرسیدند، می فرمود: «چگونه گریه نکنم درحالی که (بزیدیان) آب را برای وحوش و درندگان بیابان آزاد گذاشتند، ولی به روی پدرم بستند (و او را تشنه کشتند)».

صحیفه سجاده محصول مکتوب عمرش بود که در قالب ۵۴ دعا، اهداف و مقاصد مبارزاتی اش را تحقق می بخشید؛ همان مصحفی که به «زبور آل محمد» شهرت یافت.

پیکر شریفش در کنار قبر عمویش امام حسن آرام گرفت و غربت بقیع را چراغان نور وجودش نمود.

# هنر یک فقیه؛ نظام‌سازی فقه شیعه

|| یادمان استاد فقیه مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی ||



ایر اهیم  
موسی زاده

پرداخته بودند، و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، به تدریس و تربیت دانشجویان مشغول بودند و در ضمن تصدی مناصب گوناگون علمی و سیاسی همچون: دو دوره نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، ریاست کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی و تصدی ریاست دانشگاه تهران، با بهره‌مندی از اخلاق کریمانه انسانی و اسلامی، در بیان مطالب و مباحث و ارائه نظریات خود، بسیار اخلاق‌گرا و متدین و باوقار بودند، و با هیچ‌کس برخورد تحقیرآمیز یا همراه با تبعیض نداشتند.

ایشان یک تقید بسیار ویژه به رعایت موازین اخلاقی همراه با غیرت دینی و اسلامی داشتند و علی‌رغم سالیان متمادی حضور در دانشگاه، - بر خلاف برخی‌ها- هرگز دست از اصول و ارزش‌های عالی اسلامی و انقلابی برنداشته و با تأکید بر ادامه راه و آرمان اصیل امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، همواره با نجابت رفتار نموده و اظهار نظر می‌کردند.

سعه صدر و بلندنظری استاد عمید زنجانی، که ریشه در طبع و همت بلند آن والامقام داشت، از دیگر ویژگی‌های بارز اخلاقی ایشان بود.

اما مهم‌ترین نکته در حیات علمی استاد، اشتغال به تحقیق و پژوهش، همراه با تدقیق و مطالعات عمیق در حوزه فقه و حقوق اسلامی، به‌ویژه فقه سیاسی و تألیف و نگارش بیش از پنجاه جلد کتاب و صدها مقاله در این حوزه است، ایشان در تمامی آثار علمی و پژوهشی خویش به یک اصل، بسیار پایبند بودند و آن دفاع از خط اصیل ولایت فقیه و حکومت مبتنی بر آن و تبیین مبانی علمی، فقهی و حقوقی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بود. استاد به پیروی از حضرت امام (ره)، معتقد بودند فقه برای اداره انسان، از گهواره تاگور، آمده است؛ و چون امروز نظام برپایه فقه شکل گرفته، باید همان فقه جواهری برای تمامی مسائل و موضوعات سیاسی و اجتماعی پاسخگو باشد.

ایشان معتقد بودند که با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تشکیل و تأسیس نهادها و قوای حکومتی ناشی از آن نخستین نظام مبتنی بر فقه تشیع و حکومت فقه‌مدار شیعی شکل گرفته است.

به نظر آیت‌الله عمید زنجانی، قانون اساسی، تجسد و تجسم عینی فقه سیاسی و فقه کلان شیعه در عصر حاضر محسوب می‌شود، لذا در راستای صیانت و پاسداری از قانون اساسی و نظام مبتنی بر آن نباید از هیچ اقدامی فروگذار کرد. به همین منظور تمامی آثار علمی ایشان حول نظام‌سازی مبتنی بر فقه تشیع و تبیین مبانی قانون اساسی، به عنوان جزئی از آن فقه و تحت عنوان «فقه سیاسی» شکل گرفته، و به مجامع علمی، حوزوی و دانشگاهی کشور عرضه شده‌اند. مثنی علمی و سیره عملی استاد برپایه پاسداری از نظام

جمهوری اسلامی و پرهیز از جنگ‌اندازی بر چهره نهال نوپای انقلاب اسلامی و تلاش برای تحقق کامل حکومت اسلامی و نظام فقه‌مدار در مسیر حرکت رو به تکامل و تحقق نظام مطلوب اسلامی بود. «روحش شاد و قرین رحمت باد».

به رسم معمول و عادت مألوف، از نخستین ساعات صبح روزهای زوج هر هفته، استاد فقیه آیت‌الله عمید زنجانی، در دفتر کار خویش، در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، حاضر می‌شد و خیل عظیم مشتاقان و شاگردان خویش را با روی گشاده پذیرفته و تشنگان معرفت، علم و ادب را از آب‌خور قرآن و سنت

سیراب می‌نمودند.

مثل همیشه و در دقایق نخستین حضور استاد در صبح روز دوشنبه دوم آبان‌ماه سال نود، به محضر ایشان شرفیاب شدم، تا ضمن عرض ادب به محضرشان، راجع به موضوع همایشی با عنوان «فقه سیاسی و نظام‌سازی اسلامی» و همچنین آثار علمی در دست تألیف، چاپ و نشر با استاد مذاکره کرده، ایشان را برای سخنرانی ویژه در مراسم افتتاحیه همایش دعوت کنم. این همایش در راستای فرمایش‌های مقام معظم رهبری در دیدار اخیر با نمایندگان محترم مجلس خبرگان رهبری (مورخ ۹۰/۶/۱۷) مبنی بر لزوم توجه به فقه سیاسی و نظام‌سازی بر پایه آن برگزار می‌شد. هرچند استاد در آن روز حال چندان مساعدی نداشتند، اما پس از طرح این موضوع و علی‌رغم کهولت سن و کسالت شدید جسمانی - که طی سه سال اخیر شدت یافته و قامت ایشان را خمیده و پیکرش را نحیف کرده بود و سه روز کامل در هفته به دستگاه دیالیز می‌سپرد- باروی گشاده و اخلاق کریمانه همیشگی، اجابت دعوت نموده و ضمن سپاس و تشویق دست‌اندرکاران همایش، فرمودند: «دعاکنید تا آن روز حالم مساعد شود». همه چیز برای برگزاری همایش آماده بود که ناگهان در نخستین دقایق صبح روز یکشنبه هشتم آبان‌ماه خبری شنیدم که ای کاش هرگز نمی‌شنیدم و آن خبر ارتحال ملکوتی عالم ربانی، فقیه پارسا و فرهیخته، استاد برجسته حوزه و دانشگاه حضرت آیت‌الله عمید زنجانی بود.

هرچند همایش در میان حزن و اندوه برگزار شد، اما مسئله‌ای که ذهن مرا به خود مشغول کرده، این است که چگونه استاد فقیه با آن همه بیماری جانکاه و در واپسین روزهای عمر بابرکت و سراسر معنویت خویش، چگونه دعوت این شاگرد حقیر را پذیرفتند؟

به نظر می‌رسد، پاسخ این پرسش را علاوه بر تواضع علمی و اخلاقی ایشان، باید در مثنی فقه‌های و علمی شصت ساله استاد و رویکرد تحول‌آفرین و مبتکرانه آن فقیه سعید به حوزه فقه تشیع در نظام‌سازی جستجو کرد؛ الگویی که تا آخرین دقایق و لحظه‌های زندگی خویش و به پیروی از مکتب فقهی استاد دیرین و یار سفر کرده‌اش، حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، که سخت بدان پایبند و ملتزم بود.

حضرت آیه‌الله عمید زنجانی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاهش زنجان، و طی سال‌های متمادی در دو حوزه علمیه نجف اشرف و قم مقدسه، در کنار مبارزات انقلابی، به تحصیل، تهذیب، تدریس و پژوهش در مکتب فقه‌ت تشیع

## منتخب

■ استاد به پیروی از حضرت امام (ره)، معتقد بودند فقه برای اداره انسان، از گهواره تاگور، آمده است؛ و چون امروز نظام برپایه فقه شکل گرفته، باید همان فقه جواهری برای تمامی مسائل و موضوعات سیاسی و اجتماعی پاسخگو باشد

مقصد ۲

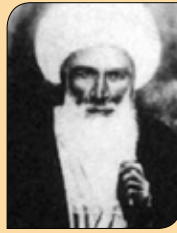
اخبار ماه



یاد  
اندیشه

## آتشی در لانه «ماسون»ها

|| آیت‌الله العظمی ملاعلی کنی ||



آیت‌الله العظمی ملاعلی کنی در سال ۱۲۲۰ قمری در کن از توابع تهران به دنیا آمد. او با تحصیل در حوزه‌های تهران، اصفهان، نجف و کربلا به درجهٔ اجتهاد رسید و همچنین تولیت مدرسهٔ مروی را عهده‌دار شد. حیات وی مقارن با حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار بود. بسیاری از مورخان تاریخ معاصر ایران

بر این نکته اعتراف دارند که ناصرالدین‌شاه قاجار از عظمت و نفوذ آیت‌الله کنی به‌شدت بیم و هراس داشت و این امر حاکی از قدرت معنوی، نفوذ کلام، پیوند با مردم و شجاعت آن مرجع دینی بود. نخستین سفیر آمریکا در ایران، دربارهٔ او چنین می‌نویسد: «... اگر یک کلمه بگوید، می‌تواند اعلیحضرت را از سلطنت خلع کند.»

از مهم‌ترین بخش‌های زندگی ملاعلی کنی، مبارزه با جریان مخوف نوپیدایی به نام «فراماسونری» بود. میرزا ملکم در سال ۱۲۳۷ قمری، نخستین سازمان فراماسونری ایران را به نام «فراموش‌خانه» تأسیس کرد که همسویی ناصرالدین‌شاه را برای این کار نیز به دست آورده بود. با پدید آمدن فراموش‌خانه، علما و روحانیون متعهد، به رهبری حاج ملاعلی کنی به‌پا خاستند و جنبش ضد فراماسونری در ایران را هدایت کردند.

او ابتدا در نامه‌ای خطاب به ناصرالدین‌شاه، خطر ملکم و افکار انحرافی فراموش‌خانهٔ او را گوشزد کرد و سپس در اقدام شجاعانهٔ دیگری حکم به تکفیر «ماسون»ها داده، حمله به مرکز ماسون‌ها را رهبری کرد و مردم مسلمان نیز به دستور ایشان، فراموش‌خانه را با شور و هیجان بسیار، به آتش کشیدند و شاه را وادار به تعطیل و انحلال آن لانهٔ فساد کردند.

همچنین حاج ملاعلی کنی با رهبری مبارزه علیه امتیاز روبرتر، افکار عمومی مردم را در جهت لغو امتیاز هدایت کرد. او همواره در امور عام‌المنفعه همچون ساختن آب‌انبار، کاروانسراها و درمان بیماران فقیر و کمک به یتیمان پیش‌گام بود.

این مرجع و مجاهد وارسته، سرانجام در محرم ۱۳۰۶ قمری به دیار باقی شتافت.

یاد  
اندیشه

## راز ضعف ممالک اسلامی

|| آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس ||



سیدحسن طباطبایی قمشاهی، ملقب به مدرس متولدسال ۱۲۸۷ بود که دروس عالی خود را به مدت هفت سال در نجف، از محضر درس آخوند خراسانی، میرزا جهانگیرخان قشقایی و سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی آموخت. مدرس پس از اجتهاد، برای ارشاد و تدریس به اصفهان مهاجرت کرد که هم‌زمان با دوران رشد

و گسترش نهضت مشروطیت بود. چون او نزدیک به سی سال به تدریس اشتغال داشت، بنابراین به مدرس ملقب شد. مرحوم آخوند خراسانی، وی را به عنوان مجتهد تراز اول با همین لقب به مجلس شورا معرفی کرد. مدرس در انتخابات دورهٔ چهارم مجلس شورای ملی، به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد و نایب رئیسی رسید. در انتخابات دورهٔ پنجم مجلس شورای ملی علی‌رغم اعمال نفوذ نظامیان، مدرس به نمایندگی مردم تهران انتخاب شد. از نکات جالب توجه در زندگی مدرس پس از ورود به مجلس، این بود که همواره دارای زندگی ساده و فقیرانه‌ای بود. مدرس در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی، کابینهٔ رضاخان را استیضاح کرد و در سال ۱۳۰۵ بار دیگر مورد سوء‌قصد قرار گرفت. از راهبایی وی به مجلس هفتم جلوگیری شد؛ به گونه‌ای که حتی آن یک رای را که خودش به خود داده بود نیز قرائت نکردند. شهید مدرس، با بیان این جمله معروف در نطق سال ۱۳۰۲ هجری شمسی خود که «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست»، به سراغ ریشه‌یابی علل انحطاط مسلمین رفته و آن را در جدایی سیاست و دیانت می‌جوید و می‌گوید: «فکر می‌کردم چرا ممالک اسلامی رو به ضعف رفته و ممالک غیراسلامی رو به ترقی؟ چندین روز فکر می‌کردم و بالاخره چنین فهمیدم که ممالک اسلامی، سیاست و دیانت را از هم جدا کرده‌اند... لهنذا در ممالک اسلامی، اشخاصی که متدین هستند، دوری می‌کنند از اشخاصی که داخل در سیاست هستند.»

سرانجام، مدرس در بهمن ماه سال ۱۳۰۷ هجری شمسی از تهران به روستای خواف در خراسان تبعید شد و سرانجام، پس از ده سال تبعید و زندانی بودن در آنجا، در دهم آذر سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در کاشمر به شهادت رسید.

یاد  
اعلام

## آیت‌الله سیدعبداله‌ای شیرازی



آیت‌الله العظمی سیدعبداله‌ای شیرازی، در سال ۱۳۰۵ قمری،

در شهر سامرا به دنیا آمد. درس فقه و اصول را از محضر بزرگانی چون شیخ محمدکاظم خراسانی و شیخ‌الشریعهٔ اصفهانی آموخت. ایشان در ایام تدریس و استادی، شاگردان بزرگی نظیر علامه محمدتقی جعفری و شیخ محمدرضا مظفر را تربیت کرد. آیت‌الله سیدعبداله‌ای در مسجد شیخ انصاری در نجف که محل تجمع بزرگان اهل فضل و تقوا بود، نماز جماعت اقامه می‌کرد. پس از وفات مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۸۰ قمری، زعامت و مرجعیت شیعیان جهان و تصدی حوزهٔ بزرگ نجف به ایشان محول شد. ایشان سرانجام در عصر روز دهم ماه صفر سال ۱۳۸۲ قمری در کوفه از دنیا رفت و در جوار حرم حضرت امیرالمومنین علیه السلام در مقبرهٔ میرزای بزرگ، به خاک سپرده شد.

## آیت‌الله میرزا محمدعلی شاه‌آبادی



ایشان در سال ۱۲۹۲ قمری در اصفهان دیده به جهان گشود. از محضر درس آخوند خراسانی و میرزای دوم بهره برد. ایشان با وجود فشار حکومت رضاخان، به ملیس کردن هفت تن از فرزندان خود به لباس مقدس روحانیت مبادرت کرد. در سال ۱۳۰۷

شمسی به حوزهٔ نوپای قم عزیمت نمود و به اشتغالات علمی و تربیت طلاب همت گماشت. امام خمینی در تمام مدت هفت سال اقامت مرحوم شاه‌آبادی در قم، در زمینهٔ عرفان از ایشان کسب فیض نمود. با اصرار بیش از حد مردم تهران به این شهر مراجعت نمود که با اوج مبارزات سیاسی ایشان در مقابل رضاخان همراه بود. مرحوم شاه‌آبادی سرانجام در سوم صفر مطابق با سوم آذر ماه ۱۳۲۸ شمسی بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش در زاویهٔ مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام به خاک سپرده شد.

یاد  
اندیشه

## مبارزی در سنگر اخلاق

|| آیت‌الله شهید سید عبدالحسین دستغیب ||



آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب در سال ۱۳۳۲ قمری در شیراز متولد شد. او در سال ۱۳۱۰ شمسی برای ادامه تحصیل علوم دینی راهی نجف شد و به درجه اجتهاد رسید.

او به محضر پرفیض عارف نامور، میرزا محمدعلی قاضی تبریزی راه یافت و در مکتب عرفانی او رشد کرد و به درجات

والایی از معارف و حقایق وحدانی دست یافت. از آن پس او شیوه‌های تربیت اسلامی را در قالبی لطیف برای مردم مطرح کرد و خود به تربیت جوانان و مستعدان جامعه اسلامی همت گماشت. مبارزات سیاسی او از زمان کشف حجاب شروع شد. اما اوج مبارزات این شهید بزرگوار، علیه رژیم شاه، زمانی بود که لویج شش گانه مطرح شد و جنبش سال ۴۱ که آغاز نهضت امام خمینی بود، شکل گرفت. در پانزدهم خرداد بازداشت و به تهران تبعید شد. در سال ۱۳۴۳ برای دومین بار دستگیر و به تهران اعزام و زندانی و سپس تبعید شد. پس از آزادی، رهبری اهالی فارس را در نهضت امام خمینی، بر عهده گرفت. در سال ۱۳۵۶ عوامل شاه، مدتی ایشان را در منزل خود محصور کرده و تحت نظر داشتند که با واکنش شدید مردم انقلابی شیراز، مجبور به عقب‌نشینی شدند. شهید دستغیب پس از پیروزی انقلاب، به نمایندگی از مردم فارس در مجلس خبرگان انتخاب شد؛ همچنین به فرمان امام به سمت امام جمعه شیراز منصوب شد. ایشان همچنین ریاست حوزه علمیه فارس را بر عهده داشت و پس از پیروزی انقلاب، مدارس علمیه قوام، هاشمیه و آستانه شیراز را که سال‌های طولانی توسط رژیم پهلوی تعطیل شده بود، دوباره دایر کرد. ایشان دارای آثار فراوانی می‌باشند که از آن جمله: شرح و حاشیه بر کفایه‌الاصول و مکاسب و رسائل شیخ انصاری و غیره را می‌توان نام برد. از آثار قلمی ایشان که بارها به چاپ رسیده، کتاب‌های صلاه الخاشعین، گناهان کبیره، قلب سلیم، داستانهای شگفت و بسیاری آثار دیگر در اصول عقاید به یادگار مانده است. سرانجام در روز جمعه بیستم آذر ۱۳۶۰ آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، در حالی که عازم نماز جمعه شیراز بود، توسط منافقین به شهادت رسید.

یاد  
اندیشه

## بازوی مرجعیت علیه انحراف

|| شهید سیدمجتبی نواب صفوی ||



سیدمجتبی نواب صفوی متولد سال ۱۳۰۳ شمسی، که دروس مقدماتی حوزه را در تهران فرا گرفته بود، در نجف از درس بزرگانی چون: علامه امینی، حاج آقا حسین قمی و شیخ محمد تهرانی رحمتهما بهره برد. با رسیدن کتاب ضدشعبی احمد کسروی به حوزه علمیه نجف، علامه امینی و حاج آقا حسین قمی از مراجع نجف،

حکم ارتداد کسروی را صادر کردند و جمعی از علما از جمله علامه امینی، آیت‌الله خویی و آیت‌الله سیداسدالله مدنی، نواب را که داوطلب مبارزه با کسروی بود، عازم ایران کردند تا کسروی را از دین ستیزی بازدارد. وی پس از چند جلسه بحث و گفتگو با کسروی، وی را عنصری بی‌دین یافت. در سال ۱۳۲۴ جمعیت فدائیان اسلام را بنیان نهاد و با صدور اعلامیه‌ای به نام «دین و انتقام» رسماً اعلام موجودیت کرد. ترور عناصر استعمار و دین‌ستیزی چون احمد کسروی، عبدالحسین هژیر، علی رزم‌آرا و حسین علاء از جمله فعالیت‌های سیاسی این جمعیت بود. اردیبهشت ۱۳۲۷ اجتماع عظیمی از مردم برای حمایت از فلسطین با برنامه‌ریزی نواب صفوی در منزل آیت‌الله کاشانی رحمتهما تشکیل شد. پس از آن، جمعیتی بالغ بر پنج‌هزار نفر آمادگی خود را برای جنگ با صهیونیست‌های اشغالگر اعلام نمودند. از مهم‌ترین اقدامات جمعیت فدائیان اسلام، تلاش برای ملی کردن صنعت نفت بود که با مخالفت جدی «رزم‌آرا»، نخست‌وزیر وقت، روبه‌رو شده بود. ترور رزم‌آرا توسط فدائیان اسلام، نخست راه را برای ملی شدن صنعت نفت و سپس نخست‌وزیری مصدق در سال ۱۳۳۰ گشود. اما شهید نواب صفوی به خاطر عمل نکردن به احکام اسلامی با حکومت دکتراً مصدق به مخالفت برخاست و به همین دلیل، در ایام نخست‌وزیری مصدق، دستگیر شد و به زندان افتاد و تا سقوط حکومت مصدق در زندان بود. نواب صفوی پس از آزادی در شهریور ۱۳۳۲ به دعوت سید قطب از رهبران اخوان المسلمین برای شرکت در کنگره اسلامی قدس عازم بیت‌المقدس شد و سخنرانی پرشوری درباره آزادی‌سازی سرزمین فلسطین ایراد نمود. سرانجام این مجاهد خستگی‌ناپذیر به همراه سه تن از هم‌زمانش در بیدادگاه رژیم پهلوی محکوم و در صبحگاه ۲۷ دی ۱۳۳۴ شمسی تیرباران شده و به خیل شهدا پیوستند.

## آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی



ایشان در سال ۱۲۷۶ شمسی در نجف به دنیا آمد. از درس خارج فقه و اصول آیت‌الله آقا ضیاء عراقی و آیت‌الله شیخ احمد کاشف‌الغطاء خوشه‌چینی کرد. مدتی نیز نزد علمای زیدیه و علمای اهل سنت به فراگیری علم حدیث پرداخت

و از آنان اجازه نقل حدیث گرفت. وی که شاهد به غارت رفتن منابع اسلامی و نسخ خطی بود، تاب نیارود و با شهریه ناچیز طلبگی، به خرید کتاب‌های خطی پرداخت. گاه شبها در یک کارگاه برنج‌کوبی کار می‌کرد، روزها روزه استیجاری می‌گرفت و نماز استیجاری می‌خواند، تا هزینه خرید کتاب‌ها را تهیه کند. کتابخانه ایشان، امروزه از معتبرترین و بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام محسوب می‌شود. سرانجام در شامگاه هفتم صفر ۱۴۱۱ درگذشت و در جوار کتابخانه بزرگش به خاک سپرده شد.

## آیت‌الله شهید شیخ حسین غفاری



آیت‌الله حسین غفاری در تابستان سال ۱۲۹۳ شمسی در آذرشهر تبریز به دنیا آمد. شهید غفاری در سال ۱۳۲۳ شمسی راهی حوزه علمیه قم شد و در محضر اساتیدی چون آیات عظام بروجردی، خوانساری، حجت کوه‌کمره‌ای، مرعشی‌نجفی، امام خمینی و

علامه طباطبایی به کسب علم پرداخت. پس از شدت گرفتن فعالیت‌های انقلابی ایشان، سرانجام در تیرماه سال ۱۳۵۳ ساواک او را دستگیر و در ضمن بازرسی از منزل وی به تعداد زیادی اعلامیه دست یافت. آیت‌الله غفاری سرانجام پس از شش ماه اسارت، بر اثر شکنجه و فشارهای وارده در تاریخ ششم دی‌ماه ۱۳۵۳ به شهادت رسید. اداره امنیت مجبور شد به منظور تدفین مخفیانه، جنازه او را شبانه به قم بفرستد. اما طلاب و مردم قم از موضوع باخبر شده و به طرز باشکوهی همراه با تعدادی از مراجع عظام تقلید در تشییع جنازه او شرکت کردند.

# زلزال بود و سرشار از اخلاص

|| درباره شیخ عباس قمی ||

ناصر مدنی

یاد  
اندیشه

در یکی از شبستان‌های آنجا اقامه شد و بر جمعیت این جماعت روز به روز می‌افزود. هنوز به ده نرسیده بود که اشخاص زیادی، اطلاع یافتند و جمعیت فوق‌العاده شد؛ یک روز پس از اتمام نماز ظهر به من که نزدیک ایشان بودم، گفتند: من امروز نمی‌توانم نماز عصر بخوانم. رفتند و دیگر آن سال را برای نماز جماعت نیامدند. در موقع ملاقات و استفسار از علت ترک نماز جماعت گفتند: حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم، متوجه شدم که صدای اکتفاکنندگان که پشت سر من می‌گویند «یا الله یا الله ان الله مع الصابرين» از محلی بسیار دور به گوش می‌رسید، این توجه که مرا به زیادت‌ی جمعیت متوجه کرد، در من شادی و فرحی تولید کرد و خلاصه خوشم آمد که جمعیت این اندازه زیاد است، بنابراین من برای امامت، اهلیت ندارم. (مقدمه محمود شهبای، فوائد الرضویه، ج ۱)

■ شیخ علی‌پناه اشتهازی را همه طلبه‌ها میشناسند؛ حداقل آنانی که نماز مغرب را در فیضیه می‌خواندند با او حشر و نشر داشته‌اند؛ او دریایی بود از خاطرات دست اول. همو این خاطره را از امام خمینی نقل می‌کرد: در دوران طلبگی و در دوران رضاخان که فشار بر روحانیت بسیار بود، همراه شیخ عباس قمی از مشهد به طرف تهران برمی‌گشتم. در مسیر راه، ناگاه ماشین خراب شد و راننده به کمک خود گفت: نکند آخوند سوار کردی که سبب خراب شدن ماشین شده است؛ کمک‌راننده نگاهی به عقب ماشین انداخت و مرا در ماشین دید، چون سید بودم چیزی نگفت؛ اما شیخ عباس قمی را که در همان ماشین بود، پس از جسارت پیاده کرد؛ شیخ عباس قمی کنار جاده نشست و بساط علمش را باز کرد و مشغول نوشتن شد و منتظر شده ماشین او را سوار کند، تا این که یک کامیون آجر از راه رسید و وی را سوار کرد. شیخ از وقتی که سوار ماشین شد شروع کرد به تبلیغ مذهب و خواندن احادیث؛ راننده هم مبهوت و شیفته گفته‌های او؛ بعد رو به شیخ کرد و گفت: اگر اسلام این است، در دل و اعماق قلبم نفوذ کرد؛ من مسیحی هستم، اما شیفته اسلام شدم و می‌خواهم اسلام بیاورم. او مسلمان شد و خانواده‌اش را هم مسلمان کرد.

■ روزهای آخر عمرش بود درست نیمه دوم ذی‌حجه ۱۳۹۵ قمری، یکی از دوستانش به عیادتش آمده بود؛ آشیخ حالت چطور؟ شیخ تکانی خورد و درحالی که اشک از چشمانش جاری بود، گفت: چند روز است که نتوانسته‌ام حدیث بخوانم و بنویسم؛ دوستش مثل یک طبیب حاذق، درمانش را بلد بود سریع کتاب بحار را برداشت؛ جلد هفدهم کتاب بود آن را باز کرد و شروع کرد به خواندن چند حدیث؛ نگاهی به شیخ کرد، چهره‌اش تفاوت داشت انگاری سیمایش گل انداخته بود؛ چه می‌کند این کیمیای حدیث اهل بیت ...

■ چه برکتی دارد برخی از این عمرها؛ باید از خدا خواست که جوانی و حیات ما را همانند این شیخ قرار دهد. زلال و سرشار از اخلاص؛ شیخی که معروف به محدث قمی بود و امام خمینی او را شیخ جلیل و متعبد می‌خواند.

■ وقتی درباره کسی بشنوی که او «شیخ جلیل، عادل، متعبد و ثقه» است؛ حق داری که کنجکاو شوی و نقبی به زندگی‌اش بزنی که این شیخ متعبد کیست که این‌گونه امام خمینی از او یاد می‌کند؛ (چهل حدیث، ص ۳) آن شیخ با اخلاصی که بیش از نیم قرن است مفاتیح‌الجنانش در طاقچه هر خانه‌ای خودنمایی می‌کند؛ که بود و چگونه زیست ...

■ روزانه بیش از هفده ساعت مطالعه می‌کرد و می‌نوشت؛ ۶۳ جلد کتاب حاصل عمر ۶۵ ساله اوست. آقا بزرگ تهرانی او را دیده بود؛ او می‌گفت: او پیوسته سرگرم کار بود. عشقی شدید به نوشتن و تألیف و بحث و تحقیق داشت، هیچ چیز او را از این شوق و عشق منصرف نمی‌کرد و مانعی در این راه نمی‌شناخت، دارای آثار با ارزش است که همگی دلالت بر مقام شامخ علمی و اطلاعات وسیع ایشان دارد. (طبقات اعلام‌الشیعه جزء اول قسم سوم، ص ۱۰۰)

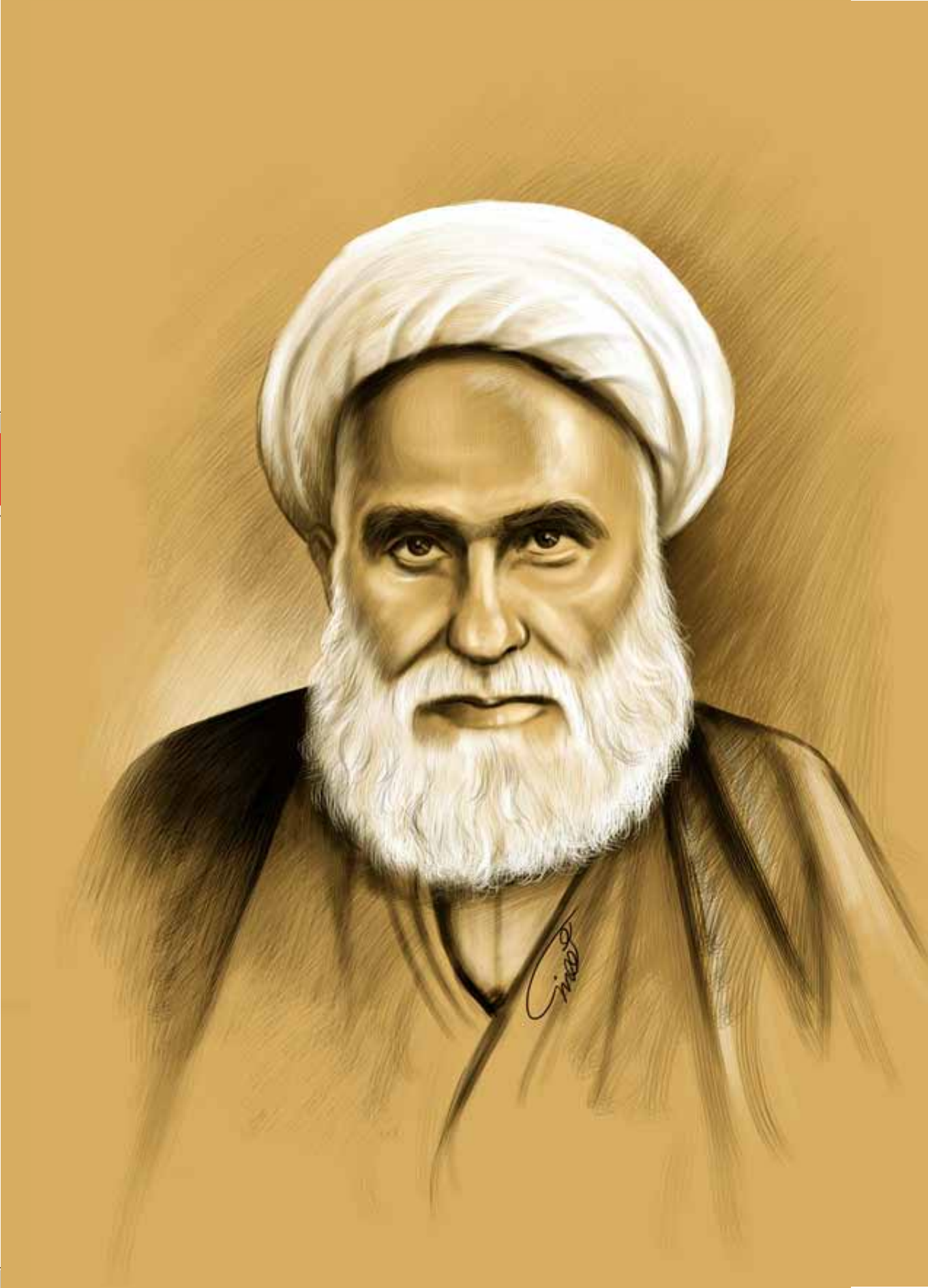
■ پدرش کربلایی محمدرضا، شیفته حرف‌های شیخ عبدالرزاق بود؛ هر جا که او بالای منبری می‌نشست؛ حتماً پای منبر، کربلایی را می‌دید که با حواس جمعی سخنان او را می‌شنود؛ هنر شیخ عبدالرزاق هم این بود که مدتی با کتاب منازل‌الآخره انس داشت، هر روز کتاب را با خود می‌آورد و از روی آن برای مردم می‌خواند. پدر حق داشت که پسرش مثل این منبری شود. روزی در خانه رو به فرزند کرد و گفت: شیخ عباس! کاش مثل این مسئله‌گو می‌شدی و می‌توانستی منبری بروی و این کتاب که امروز برای ما خواند را بخوانی! پسر چند بار خواست لب باز کند که پدر عزیز این کتابی که می‌گویی از آن من است و نویسنده‌اش پسر توست؛ اما نگفت و کام فرو برد و فقط این جمله را بیان کرد که «دعا بفرمایید خداوند توفیقی مرحمت فرماید». (شیخ عباس قمی، منازل‌الآخره، ص ۲۰)

■ جامع بود، یک روحانی تمام‌عیار؛ به گونه‌ای که تألیف او را از تبلیغ، ارشاد، روشننگری و ارتباط با مردم دور نساخت؛ مرحوم دوانی در لابه‌لای کتابهای خطی محدث قمی سندی را یافته بود که در آن کمیته مجازات حزب دموکرات مشهد، ایشان را به جرم بدگویی از آمریکایی‌ها تهدید به ترور کرده است. یادداشت کوتاه کمیته مجازات این بود: «آقای آقا شیخ عباس قمی! پدرسوخته! شنیدیم که در منبر از آمریکایی‌ها حرف بد می‌زنی. اگر شنیده شود که دو مرتبه از این‌گونه مزخرفات بگویی و تکذیب نکنید همین دوشنبه به ضرب گلوله شکمت را مثل شکم سگ پاره و پردود خواهیم کرد». سقوط کمیته مجازات، ترور شیخ را ناکام گذاشت، او ماند تا از جامعیت دین بگوید؛ دینی که در کنار تحکیم جبهه دوستان، بر ایستادگی در برابر دشمن تأکید دارد.

■ در هر کاری، اخلاص بر رفتارش سایه افکنده بود؛ شادروان محمود شهبای نقل می‌کرد که در یکی از ماه‌های رمضان با چند تن از رفقا از او خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت را بر علاقه‌مندان منت نهد. با اصرار و ابرام این خواهش پذیرفته شد و چند روز نماز ظهر و عصر،

منتخب

■ روزانه بیش از هفده ساعت مطالعه می‌کرد و می‌نوشت؛ ۶۳ جلد کتاب حاصل عمر ۶۵ ساله اوست  
■ جامع بود، یک روحانی تمام‌عیار؛ به گونه‌ای که تألیف او را از تبلیغ، ارشاد، روشننگری و ارتباط با مردم دور نساخت





دوره رکود علمی حوزه نجف آغاز شد

از اواخر سال پنجاه خورشیدی که دولت بعثی عراق، علما و روحانیون ایرانی مقیم عراق را از این کشور اخراج کرد، شهر نجف نیز به تدریج محوریت علمی خود را در جهان شیعه از دست داد. این اتفاق پس از آن رخ داد که در نهم آذر ۱۳۵۰ نیروی دریایی ایران با تصرف جزایر سه گانه خلیج فارس، این سه جزیره را به خاک ایران بازگرداند. عراقی ها هم در اعتراض به این اقدام، همان روز روابط خود را با ایران قطع کرده و یازدهم دی ماه با تعطیل کردن حوزه نجف، برخی از علمای بزرگ و نیز بسیاری از طلاب ایرانی را از عراق اخراج کردند. تلاش های مرحوم آیت الله العظمی سید احمد خوانساری در تهران و امام خمینی در نجف هم سودی نبخشید و دوره رکود علمی حوزه نجف آغاز شد.

رحلت مجتهد اصولی و عالم و عارف  
بزرگوار، آیت الله شیخ محمد تقی آملی



آیت الله محمد تقی آملی نزدیک به چهل سال در رأس آیات و مراجع بزرگ تهران به تدریس و ترویج دین اشتغال داشت. در محضر درس ایشان، شاگردان فاضلی پرورش یافتند که حضرات آیات: عبدالله جوادی آملی، حسن

حسن زاده آملی و علامه محمد حسین تهرانی از آن جمله اند. سرانجام این حکیم وارسته و عارف الهی در ۲۷ آذر ۱۳۵۰ شمسی در ۸۵ سالگی دار فانی را وداع گفت و در تهران به خاک سپرده شد.

احتمال هجرت امام به لبنان

امام خمینی (ره) در دوم دی ماه ۱۳۵۰ در تلگرافی به احمد حسن البکر، رئیس جمهور وقت عراق، از اعمال خشونت علیه ایرانیان انتقاد کرد. پس از آن احتمال هجرت امام خمینی از عراق شدت گرفت، ایشان در دی ماه ۱۳۵۰ در درس خارج خود خطاب به طلاب و روحانیون فرمودند: بعد از آنکه مصلحت و نظر خواهی خود را به صورت تلگراف به مقامات عراقی رسانیدم، نه تنها... و جوابی که ندادند و عکس العمل هم به آن شدت نشان دادند، در این صورت من فکرم منتهی شد به اینکه ما دیگر وجودمان در اینجا لزومی ندارد... فردا تذکرها را می فرستیم و تقاضای خروج می کنیم و من در هرجا که باشم، علاقه به آقایان، برادران، همان جوری است که اینجا باشم.

حضرت امام خمینی (ره) در نجف



اخبار  
تصویری

حضور رهبر معظم انقلاب در مراسم تشییع پیکر سردار شهید مقدم و شهدای جهاد خود کفایی



درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجانی در مسجد اعظم قم



دیدار روحانیون شیعه و سنی استان کرمانشاه با رهبری



مراسم افتتاحیه یادواره شهدای روحانی خراسان



اعزام روحانیون جانباز به اردو میثاق با ولایت



## ■ مهم‌ترین رسالت حوزویان و حوزه‌های علمیه حفظ نظام اسلامی



حضرت آیت‌الله جوادی آملی گفت: حوزه دو نوع وظیفه دارد: یکی وظیفه عادی که همان درس و بحث و مرجعیت و فقه و اصول است که از دیرباز در حوزه‌های علمیه وجود داشته و دارد. وظیفه دوم که اساسی‌تر و مهم‌تر است، همان رسالت انبیاست که باید حوزه از این رسالت غافل نشود. مهم‌ترین رسالت حوزویان و حوزه‌های علمیه، حفظ نظام اسلامی است و حفظ نظام فقط با نصیحت و زبان و رفتار و گفتار محقق نمی‌شود، بلکه قداست حوزه‌های علمیه است که موجب حفظ و ماندگاری نظام است.

### ■ درس اخلاق در برنامه روزانه طلاب



حضرت آیت‌الله مظاهری گفت: فراگیری نکات و مسایل اخلاقی، تحت نظر یک عالم متدین، برای همه و مخصوصاً جوان‌ها واجب است. همه باید در برنامه روزانه خود زمانی را به مطالعه کتب اخلاقی یا شنیدن درس اخلاق علمای ربّانی اختصاص دهند، وگرنه دچار انحراف و گمراهی می‌شوند و سرانجام آنان سقوط است.

### ■ عرفان ناب و اصیل در صحیفه



آیت‌الله کریمی جهرمی، صحیفه سجادیه را مادر تمامی خوبی‌ها توصیف کرد و گفت: تشنگان عرفان الهی فراوان هستند، ولی گاهی اوقات چون با دلیل و راهنما پیش نمی‌روند در خطوط انحرافی می‌افتند در شرایطی که کمبودها و خلل‌های مادی هم نیست انسان احساس نیاز به عرفان الهی دارد و روح جستجوگر انسان به دنبال این معناست که به محضر حضرت حق راه یابد عرفانهای کاذب اکنون در بسیاری از امت‌ها و بلادها مختلف، مثل قارچ سبز شده است و یا در حال رویدادن است. تمام این عرفان‌ها از آن باب است که مذاق انسان به دنبال عرفان واقعی است و چون راهنما ندارد، به ضلالت می‌رود. به جرأت میتوان گفت: عرفان ناب و اصیل در صحیفه سجادیه هست.

### ■ طلبگی و ضرورت پیگیری علوم انسانی اسلامی



حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، با اشاره به اهمیت علوم انسانی اسلامی اظهار کرد: اگر ما طلبه‌ها دنبال علوم انسانی اسلامی نباشیم استفاده از امتیازات حوزه حرام است؛ چراکه جای طلبه‌ای دیگر را پر کرده‌ایم. وی خاطر نشان کرد: منابع عقل، کتاب و سنت در فقه ادله مطرح است و در هر یک از علوم انسانی اگر بخواهیم به صورت اسلامی کار کنیم، باید این منابع را به درستی بفهمیم. استاد حوزه علمیه قم با بیان اینکه همه علوم به اسلام نیازمند هستند، گفت: مباحث اصول از علوم پیش‌نیاز فهم صحیح کتاب و سنت است و باید مقدمات فهم قرآن و روایات را تسهیل کنیم.

### ■ متون حوزوی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه



حجت‌الاسلام والمسلمین فضل گلپایگانی با تأکید بر این نکته که حوزه‌های علمیه در هر زمان متحول می‌شود، بر ضرورت تحول در این دوره اشاره کرد و گفت: نمی‌توان در همین جا توقف کرد و راضی بود، یعنی این مقدار حرکت و پویایی کافی نیست. فقیه، بر اساس گذر زمان، پیش‌آمد حوادث و موضوعات جدید، باید نوسازی، نوآوری و شیوه‌سازی کند، تا پژوهشگر فقهی، بتواند بر اساس آن حرکت کند و جواب مسائل جدید را کشف کند. حوزه‌های علمیه باید تحصیل، تدریس، تمییز و تدوین خود را بر اساس ارکان تحول بنا نهاده و اهدافی را دنبال کنند که دین پاسخگوی نیازهای جامع باشد. به عبارتی دیگر، فقه ما طوری به جلو حرکت نماید که انطباق این قوانین استنباط و استخراج فروع فقهیه از این قواعد، به راحتی در حوزه‌های علمیه انجام گیرد. متون فعلی حوزوی اکثر آجواب‌گوی نیازهای جامعه مامی باشد. فقه و متون فعلی مادر حال حاضر کامل‌انده و پویا است.

### ■ عرفان و پیاده کردن دین



حجت‌الاسلام والمسلمین تحریری، عرفان را در حقیقت پیاده کردن دین دانست و گفت: امام حسین - علیه السلام - حقیقت دین را برای ما اجرا می‌کند، اگر بخواهیم زندگانی حسینی داشته باشیم، باید به دنبال منطق امام حسین - علیه السلام - باشیم و منطق امام فقط اداره زندگی دنیایی و رسیدن به یک رفاه ظاهری دنیایی نیست و هدف این نیست که انسان در پی یک زندگی متعالی و عادلانه‌ای، جدای از توجه به حضرت الهی و رسیدن به کمال باشد.

### ■ خطر بی‌محتوا کردن حوزه‌های علمیه



آیت‌الله رجبعلی رضازاده از اساتید حوزه علمیه مشهد با اشاره به توطنه‌های دشمنان در بی‌محتوا نمودن حوزه‌های علمیه گفت: برخی افراد به عناوین مختلف در این زمینه برنامه‌ریزی می‌کنند از این رو طلاب علوم دینی باید مراقب این دشمنی‌ها باشند و در زمینه رشد و پیشرفت محتوای بیشتر حوزه علمیه اهتمام ویژه داشته باشند. وی، با اشاره به اینکه اضافه کردن هر درسی به دروس حوزه طبعاً وقت طلبه را به همان اندازه می‌گیرد، توصیه کرد: قبل از این کار باید کارشناسی لازم صورت گیرد تا با اضافه شدن یک درس به سایر دروس اصلی، صدمه‌ای به وقت طلاب وارد نشود.

### ■ حوزه؛ پیشگام تهذیب و عمل به قرآن



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد سعیدی گفت: نباید تنها به قرائت قرآن به خصوص در حوزه اکتفا شود و حوزه باید پیشگام تهذیب و عمل به قرآن باشد. باب قرائت صحیح قرآن به برکت انقلاب اسلامی در کشور باز شد و امروز بسیاری از افراد قرآن را به زیبایی و با قرائت صحیح می‌خوانند، در حالی که در گذشته برخی خواص، هم توانایی این کار را نداشتند. قرائت غلط قرآن زیننده مدعیان ترویج معارف آل‌الله نیست و امروز که این توفیق در نظام اسلام جاری است، همه باید شکر گزار باشیم و البته از قرائت هم عبور کرده و در آن متوقف نباشیم.

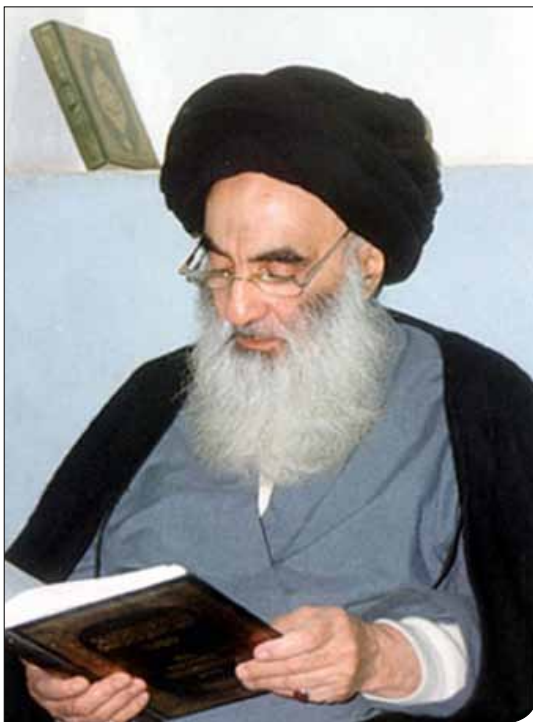


## یک گردهمایی نو؛ طلاب

■ گردهمایی بزرگ شش هزار نفری طلاب سادات حوزه علمیه قم با حضور با حضور آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، در شبستان نجمة خاتون حرم حضرت معصومه (ع) برگزار شد. در حاشیه گردهمایی، آقایان هاشمی، مودن، حسینی نژاد و حسینی به دست مبارک حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی معمم شده و مفتخر به لباس روحانیت شدند و تعدادی از طلاب ممتاز پایه یک تا ده مدارس عملیه قم نیز مورد تجلیل قرار گرفتند. تجلیل از حجج اسلام و المسلمین آل طاهاه،

مقصود ۲

اخبار ماه



## استحکام روز افزون جایگاه مرجعیت در عراق

■ نگاه ویژه رجال سیاسی اسلام و جهان به مرجعیت عراق از جمله آیت‌الله العظمی سیستانی موجب شده است جایگاه مرجعیت در عراق روز به روز مستحکم‌تر شود.

به گزارش مرکز خبر حوزه، کاظمی قمی سفیر سابق ایران در عراق در سالن انجمن‌های علمی در قم گفت: رابطه جمهوری اسلامی ایران با مرجعیت نجف تنگاتنگ بود که در این میان محوریت آیت‌الله العظمی سیستانی بودند و مقام معظم رهبری عنایت خاصی به ایشان دارند و همواره تأکید دارند که محوریت در مسائل عراق و حوزه‌های علمیه این کشور آیت‌الله العظمی سیستانی باشند.

جهان  
اسلام

ابتدای سال جاری تا آخر ماه میلادی سپتامبر، فعالیت‌های نژادپرستانه علیه مسلمانان نسبت به سال گذشته، ۲۲ درصد افزایش یافته است. این فعالیت‌ها شامل توهین به مسلمانان، توهین به بانوان محجبه، اسلام‌هراسی، قرآن‌سوزی و اقدامات نژادپرستانه می‌شوند.

■ مسئولان سعودی از ورود شمار بسیاری از ساکنان مناطق شیعه نشین الاحسا و القطیف به مکه مکرمه برای ادای مناسک حج جلوگیری کردند.

■ رییس شورای انتقالی لیبی اعلام کرد: پرونده‌ای که از قبل در خصوص وضعیت امام موسی صدر تشکیل شده بود طی روزهای آینده تکمیل و نتایج آن به جمهوری اسلامی ایران، لبنان و همه جهانیان اعلام خواهد شد.

■ وزارت کشور سوریه اعلام کرد: کسانی که سلاح داشته‌اند، یا اقدام به حمل و خرید و فروش سلاح کرده‌اند در صورتی که مرتکب قتل نشده‌اند چنانچه در موعد مقرر خودشان را تسلیم کنند؛ عفو خواهند شد. آمریکا با وجود اعلام عفو دولت سوریه، از افراد مسلح در این کشور خواست که خود را تسلیم مقامات سوریه نکنند.

■ نهرین نت نوشت: به دنبال روند گسترده دستگیری بیش از ۶۰۰ نفر از افراد متهم به دست داشتن در پیگیری طرحی برای خدشه دار کردن روند سیاسی عراق و کنترل قدرت در این کشور با حمایت عربستان، قطر و امارات، خودمختاری استان صلاح‌الدین که توسط شورای استانی آن ارائه شده است به عنوان بخشی از این طرح مورد مخالفت شدید مقامات عراقی قرار گرفته است.

■ پیش نویس قانون اساسی مصر بر اساس قوانین اسلامی در حال تدوین است. توجه به حقوق انسانی مردم مصر و ایجاد نظامی قانونمند بر اساس تعلیمات اسلامی بخش‌هایی از این پیش نویس است.

■ «محمد علی فرکوس» از چهره‌های سرشناس و شیوخ وهابی در کشور الجزایر در جدیدترین فتوای خود، مناظره کردن با شیعیان را حرام اعلام کرد. وی در ادامه فتوای خود گفت: مناظره هیچ سودی ندارد و تنها موجب ناراحتی اهل سنت می‌شود!

■ کمیته نظارت بر اقدامات اسلام‌ستیزانه در فرانسه اعلام کرد که از

## سادات حوزه علمیه قم

یثربی، مدرسی، توکل و صالحی خوانساری، به عنوان برترین های عرصه تبلیغ و پیام رسانان سنت نبوی و ناشران مکتب اهل بیت (ع) یکی دیگر از برنامه های این مراسم بود. همچنین در پایان از اساتید حجج اسلام والمسلمین سید محمد جواد علوی بروجردی، سید محمد حسینی یثربی، سید حسن مهر حسینی، سید محمد رضا مدرسی، سید حسن نبوی، سید علی اکبر مدنی و سید محمد علی مروج به عنوان نخبگان عرصه های مختلف و اساتید سطوح عالی حوزه تجلیل به عمل آمد.



### جداسازی صف از ستاد حوزه های علمیه

تشکیلات صف از تشکیلات ستاد حوزه های علمیه جداسازی شد. حجت الاسلام والمسلمین فرخ فال، مسئول حوزه مدیریت حوزه های علمیه اظهار داشت: سیاستگذاری های کلان بر عهده شورای عالی حوزه است و برنامه ریزی به مرکز مدیریت حوزه های علمیه و امور اجرایی به مدیریت های استانی واگذار شده است. وی ادامه داد: صف در حوزه های علمیه یعنی واحدها، مدارس علمیه، مراکز آموزشی و تخصصی حوزه های علمیه که تحت نظارت مدیریت های استانی اداره می شوند.



### مراسم اختتامیه شب های شعر حجره

مراسم اختتامیه شب های شعر حجره، پنجشنبه، چهاردهم مهر در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد. اهدای جوایز به شاعران برگزیده و استادان باشگاه ادبی شعر حجره از دیگر برنامه های مراسم اختتامیه شب های شعر حجره بود. شب های شعر حجره برنامه های هفتگی بود که به همت حلقه ادبیات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در مدارس حوزه علمیه قم برگزار شد. طی این برنامه در هر مدرسه از شاعران موفق حوزه و شاعرانی که در ادبیات دینی موفق بودند و طلاب مدرسی که آثاری برگزیده داشتند دعوت می شد تا آثار خود را در این شب شعر بخوانند.



زندگی پنج خانواده مسلمان در خانه های خود و مساجد و فعالیتهای روزانه مسلمانان و اعمال عبادی به تصویر کشیده شده است.

### خبرگزاری اهل بیت

حجت الاسلام والمسلمین فامیل جعفراف رییس سازمان جامعه شیعیان مسکو گفت: در حال حاضر در مسکو بیش از یک میلیون شیعه وجود دارد. در این شهر همچنین پنج مسجد وجود دارد که به صورت مشترک مورد استفاده اهل تسنن و شیعیان است. شیعیان همچنین چند انجمن در شهر مسکو دارند که به صورت متفرقه فعالیت هایی را در این شهر انجام می دهند. در حال حاضر هیچ سازمان شیعی مربوط به امور شیعیان در روسیه وجود ندارد؛ بنابراین از این جهت شیعیان مشکلات حقوقی داشته و مثلاً اجازه ساخت مسجد ندارند، چون در روسیه ادارات دینی متولی امر مساجد هستند که آنها هم همه از اهل تسنن هستند.

### خبرگزاری حوزه

### شیعه آنلاین

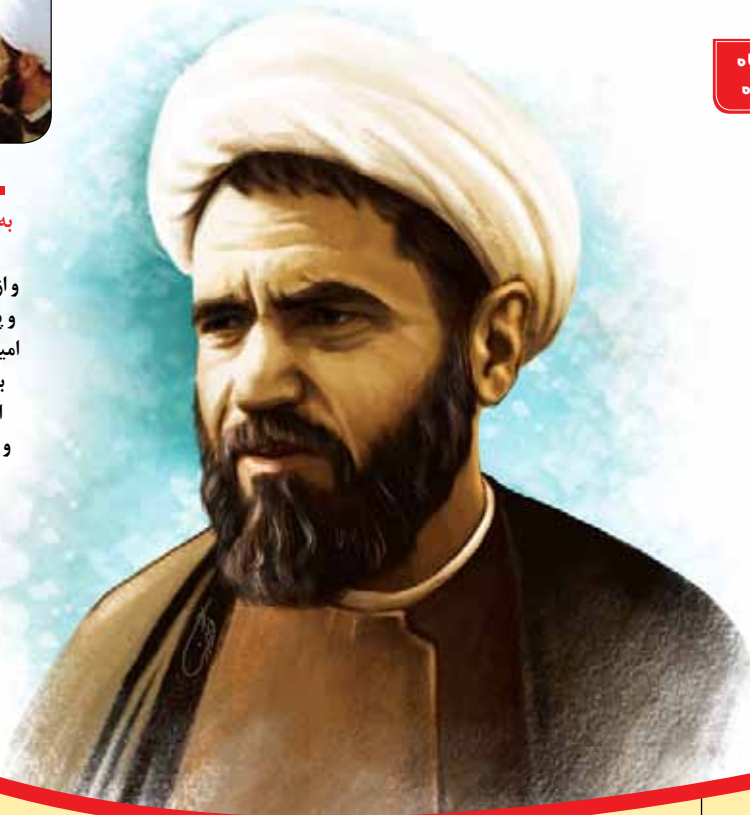
حضرت آیت الله جوادی آملی در دیدار گروهی از بانوان فرهیخته و انقلابی مصری فعال در بیداری اسلامی، با اشاره به این که مسلمانان از خواب بیدار شده اند، با اشاره به جنایات حکومت سابق مصر، افزودند: تنها مصر اسیر نبود، بلکه حج و نماز اسیر دشمن بود، حسنی مبارک، دین را اسیر خود کرده بود. ایشان مردم مصر را در قبال رنجها و مجاهدت های انقلابیون مسئول دانسته و گفتند: مصری ها بدانند دشمن در کمین است و نباید آنان به خواب فرو روند.

### خبرگزاری رسا

اولین بخش سریال هشت قسمتی با عنوان همه مسلمانان آمریکا، با هدف معرفی فرهنگ، آداب و رسوم مسلمانان و از بین بردن برداشت های غلط در مورد دین اسلام و مبارزه با اسلام هراسی تهیه و امسال از شبکه تلویزیونی تی ال سی پخش خواهد شد. در این سریال، فعالیت های



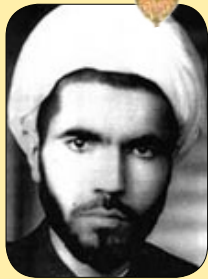
■ بخشی از پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت شهید مفتاح: امید بود از دانش استاد محترم و از زبان علم او بهره‌ها برای اسلام و پیشرفت نهضت برداشته شود و امید است، از شهادت امثال ایشان بهره‌ها برداریم. من شهادت را بر این مردان برومند اسلام تبریک و به بازماندگان آنان و ملت اسلام تسلیت می‌دهم.



## او یک مفتاح بود

### ولادت

■ شهید آیت‌الله محمد مفتاح در سال ۱۳۰۷ شمسی در خانواده‌ای روحانی، در همدان به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۲ در حالی که تنها پانزده سال داشت، برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد.



### استادید

■ پس از ورود به قم، در حجره‌ای در مدرسه دارالشفای اقامت گزید و از محضر استادان بزرگی همچون امام خمینی، علامه طباطبائی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی، آیت‌الله داماد و آیت‌الله بهجت بهره برد تا اینکه به درجه اجتهاد نائل آمد و به تدریس منظومه ملاهادی سبزواری پرداخت.

### دانشگاه تهران

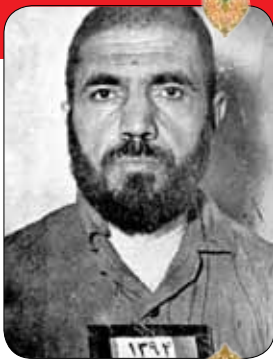
■ هم‌زمان با تحصیل در حوزه، موفق به اخذ درجه دکتری در رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران شد. رساله دکتری وی «تحقیقی درباره نهج البلاغه» بود که با درجه بسیار خوب، از سوی دانشگاه پذیرفته شد.

### وحدت مسجد و دانشگاه

■ مقاله ایشان، تحت عنوان «وحدت مسجد و دانشگاه» در اوایل دهه ۱۳۴۰ در نشریه مکتب اسلام قم چاپ شد.



## شهید مفتوح و نقش‌بی‌بدیل در انقلاب اسلامی



■ مفتوح با قبول امامت مسجد جاوید، در سال ۱۳۵۲ هسته‌های دیگر را جهت تجمع نیروهای مسلمان مبارزه و سنگری برای ارائه اسلام راستین و جبهه‌ای برای مبارزه با رژیم پهلوی ایجاد کرد تا اینکه در سوم آذر ماه ۱۳۵۳ با دستگیری شهید آیت‌الله مفتوح و آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مسجد جاوید تعطیل شد. شهید مفتوح حدود دو ماه در زندان رژیم شاه، زیر شدیدترین شکنجه‌ها به سر برد.

■ حدود دو سال پس از آزادی از زندان، امامت مسجد قبا در نزدیکی حسینیه ارشاد را پذیرفت. این مسجد را به عنوان بزرگ‌ترین سنگر در جریان مبارزات انقلاب اسلامی در آورد و از کسانی که رژیم، آنها را از انجام سخنرانی منع کرده بود، دعوت کرد و با این عمل، گام مؤثری را در جهت رسوا کردن رژیم برداشت.

■ در حالی که جمعیت‌های سی‌هزار نفری در سال‌های ۵۶ و ۵۷ در سخنرانی‌های ماه مبارک رمضان در مسجد قبا گرد هم می‌آمدند، اعلام کرد که نماز عید فطر را در زمین‌های قیطره خواهد خواند. با برگزاری نماز باشکوه عید فطر در قیطره - که با استقبال بی‌نظیر مردم تهران روبه‌رو شد - ارکان رژیم پهلوی را به لرزه در آورد. ایشان در خطبه‌های نماز، برای اولین بار، نام امام خمینی (ره) را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد.

■ ارتش شروع به شلیک تیر هوایی و گاز اشک‌آور به سوی جمعیت مؤمن و مبارز کرد. دکتر مفتوح را با سرنیزه و قنداق تفنگ به‌سختی مجروح و مضروب کردند، به‌طوری‌که امکان حرکت از وی سلب شد. شهید مفتوح که صبح جمعه هفدهم شهریور برای مداوا و پانسمان زخم‌های ناشی از تظاهرات دیروز، به بیمارستان رفته بود، موقع بازگشت به منزل، به وسیله ساواک دستگیر شد. بدین ترتیب در نخستین ساعات‌های حکومت نظامی، وی با تن و بدنی مجروح، دستگیر و روانه زندان کمیته ضد خرابکاری شاه شد.



مقصد ۲

اخبار ماه

### شورای انقلاب

■ با تشکیل شورای انقلاب از طرف امام (ره) به عضویت این شورا درآمد.

### سمینار وحدت حوزه و دانشگاه

■ در سالگرد شهادت آیت‌الله حاج سیدمصطفی خمینی، اقدام به تشکیل سمینار وحدت حوزه و دانشگاه در دانشکده الهیات نمود که این نخستین سمیناری بود که تحت این عنوان برگزار می‌شد.

### آخرین مسئولیت

■ آخرین مسئولیت شهید، سرپرستی دانشکده الهیات و عضویت در شورای گسترش آموزش عالی کشور بود و همچنین امامت جماعت مسجد قبا را نیز بر عهده داشت.

### شهادت

■ در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۸ در حیاط خلوت دانشکده الهیات دانشگاه تهران با شلیک چند گلوله از سوی گروهک فرقان به‌شدت زخمی می‌شود و معالجات در بیمارستان اثری نمی‌بخشد و حدود ساعت دو بعد از ظهر همان روز، به شهادت می‌رسد.

■ پیکر مطهر آن عالم ربانی، در صحن مطهر حضرت معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد و این روز به مناسبت فعالیت‌های چشمگیر این شهید والامقام، در راه تحقق وحدت بین روحانی و دانشجو «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام‌گذاری شد.

### دستگیری و تبعید

■ با شروع نهضت امام خمینی (ره)، به یاری انقلاب پرداخت. منبرهایی که او در شهرهای آبادان، خرمشهر، اهواز و... می‌رفت بارها به دستگیری و تبعیدش انجامید تا بالاخره ایشان را دستگیر و ممنوع‌الورود به استان خوزستان کردند.

### همیاری با شهید بهشتی

■ او با همیاری شهید بهشتی به تأسیس انجمن اسلامی دانش‌آموزان همت گمارد. محبوبیت و مقبولیت عامه شهید در میان طلاب و دانش‌آموزان، موجب شد که او را از آموزش و پرورش اخراج و در سال ۱۳۴۷، به نواحی بد آب و هوای جنوبی ایران تبعید کنند و هنگامی که دوران تبعید ایشان به پایان رسید، از بازگشت او به قم جلوگیری کردند. از سال ۱۳۴۹ به ناچار، شهید در تهران اقامت گزید.

### تدریس در دانشگاه تهران

■ دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، به طور رسمی از او دعوت کرد تا به تدریس در آنجا بپردازد. شهید مفتوح به شوق همکاری با استاد شهید آیت‌الله مطهری، تدریس در دانشکده الهیات را پذیرفت.

### بعضی از تالیفات

■ حاشیه‌ای بر «اسفار» ملاصدرا، «روش اندیشه» در علم منطق، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان از تالیفات شهید مفتوح است

# نماز صبح از پرواز تهران لندن مهم

|| گفت‌وگو با عبدالمجید رکنی، تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی سمت خدا ||

گفتگو از: معصومه شهبندی

«من با یک آقاپسری دوست شدم؛ ایشون برای بررسی ازدواج، عکس‌های خصوصی مرا خواست. باینکه می‌دانستم این کار گناه دارد و تردید داشتم؛ اما استخاره کردم، خوب آمد و من عکس‌ها را دادم و بعدها این آقا من را با این عکس‌ها تهدید کرد. چرا جواب استخاره خوب آمد؟ چرا خدا مرا در این راه انداخت؟» جواب این سؤال را خیلی‌ها می‌دانند، اما ما در برنامه می‌پرسیم. برای اینکه بسیاری از مخاطبان تصدیق کنند که کار اشتباهی است که برای انجام گناه، استخاره گرفته شود. حقیقت این است که بسیاری از ما کارهایی را به استخاره موقوف می‌کنیم که داروی آن استخاره نیست. بقیه مخاطبین را به اشتباهاتی که درجه پایین‌تری دارند رهنمون می‌شویم و توضیح خوبی توسط کارشناس در مورد استخاره ارائه می‌شود. می‌توانستیم بگوییم حاج آقا یک خط پیرامون استخاره توضیح دهید که این جذابیتهای هم نداشت. در برنامه سمت خدا هرگز این‌گونه سؤال‌ها را مطرح نمی‌کنیم، بلکه مسائل را به شکل قضیه واقعی و از زبان مردم مطرح می‌کنیم.

متن پیش‌رو گفت‌وگویی با عبدالمجید رکنی تهیه‌کننده برنامه «سمت خدا» است. می‌توان با یقین گفت اگر یک روی سکه این باشد که برنامه سمت خدا، برنامه‌ای دینی است که با اقبال مواجه شده است و بینندگان زیادی دارد، اما روی دیگر سکه که بسیار مهم‌تر است، خوانندگان مجله حاشیه هستند که خود طلبه‌اند و کارشناسی برنامه سمت خدا به وسیله هم‌لباس‌های ایشان، مهمان خانه‌های مردم می‌شود. با نگاهی کارشناسانه و عمیق به این برنامه، هم می‌توان جایگاه یک کارشناس دینی را تحلیل کرد، و هم دغدغه این روزهای مخاطبان و بینندگان رسانه ملی به مسائل دینی را فهمید

■ اگر نخستین رمز موفقیت برنامه سمت خدا را توجه به شیوه‌های نوین تبلیغ دینی در نظر بگیریم، گام‌های بعدی برای موفقیت این برنامه چه بود؟

ما سعی کردیم «مسئله‌شناسی» کنیم. اگر مسئله مخاطبمان را بدانیم، بهتر می‌توانیم به او کمک کنیم و راهکارهای مناسب ارائه دهیم. یک مثلث موضوعی در رسانه تلویزیون وجود دارد: نیاز، میل و مصلحت مخاطب! رسانه‌ها بیشتر به میل مخاطب توجه دارند. مخاطب دوست دارد هنرمندی دعوت بشود و در مورد غذای مورد علاقه‌اش صحبت کند. اما مسئله این است که مخاطب نیازهایی دارد که صحبت کردن مستقیم از آن جذاب نیست. در برنامه سمت خدا در طرح سؤال‌ها از میل مخاطب استفاده کردیم تا به نیاز مخاطب برسیم. مثال خوبی که می‌شود در این مورد زد قرص‌های دارویی است که به صورت اسمارتیز برای بچه‌ها، داروخانه‌ها موجود است که از میل کودک برای رفع نیاز استفاده می‌کنند. رنگ و لعاب اسمارتیز باعث می‌شود بچه از دارو فرار نکنند.

■ رنگ اسمارتیز برنامه شما چیست؟

رنگ اسمارتیز ما سؤال‌های مردم و دغدغه‌های آنها بود. برخی سؤال‌ها ممکن است به نظر مبتذل بیایند، اما از طریق آن سؤال می‌توان موضوع دیگری را مطرح کرد. یک‌بار یک دخترخانمی در یکی از پیام‌ها گفته بود:

■ به نظرتان کارشناس‌های روحانی برنامه سمت خدا چقدر می‌توانند برای سایرین الگو قرار گیرند؟

طلبه‌ها یک خاطره مشترک دارند که ابعاد متفاوتی دارد. مثلاً یک بار که از تهران می‌خواستیم به اصفهان بروم، جوانی روی صندلی جوری نشسته بود که من کنار او ننشینم. شاگرد شوfer نهبی به او زد و من کنار جوان نشستم و مشغول گفت‌وگو شدیم. وقتی به اصفهان رسیدیم، آن جوان گفت: اولین آخوندی هستی که این قدر باحالی! و درحالی که به قیافه‌اش نمی‌آمد، گفت گاهی نماز شب هم می‌خوانم. از این روحانی‌ها و جوان‌ها در جامعه ما زیاد هستند؛ اما نکته این است که یک شاگرد شوferی باید باشد تا اینها را کنار هم بنشانند. نقص ما این است که الان این فاصله وجود دارد. معمولاً روحانیون به سبب آموزه‌های دینی در کار مؤمنان حمل بر صحت می‌کنند و حسن ظن دارند، اما جوان‌ها گاهی این تعهد را ندارند و در مورد روحانیون بد فکر می‌کنند.

ما در سمت خدا می‌خواهیم نقش آن شاگرد شوfer را بازی کنیم. پیامک‌هایی بسیاری داریم که «من پای صحبت هیچ روحانی



ژئوگراف

مقصد ۲

اخبار ماه

تقر است!







حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی محمدی



حجت الاسلام والمسلمین ناصر نقویان

مقصد ۲

اخبار ماه

تاریخ تولد: ۱۳۴۴ - قم  
تحصیلات: خارج فقه و اصول، دکترای علوم قرآن و حدیث.  
اساتید برجسته: حضرات آیات فاضل لنکرانی، جوادی آملی، مظاهری، اسنادی و معرفت  
تألیفات: تفسیر علمی قرآن (۲ جلد)، وضع حدیث، اسراف و تبذیر، گفتار رفیع (۲ جلد)  
مسئولیت‌ها: مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان و مدیر گروه شیعه شناسی جامعه المصطفی العالمیه.  
زمان حضور در برنامه سمت خدا: از ابتدای برنامه در تابستان ۱۳۸۸ و و پس از وقفه‌ای کوتاه از پاییز ۸۹ تا تابستان ۹۰.

تاریخ تولد: ۱۳۴۳ - بابل  
تحصیلات: خارج فقه و اصول.  
اساتید برجسته: حضرات آیات محقق داماد، هاشمی شاهرودی، بهشتی و محمدی (بابل)  
مسئولیت‌ها: مشاور فرهنگی رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی.  
تألیفات: کتاب دندانه‌های کلید خوشبختی در زندگی که آماده انتشار می‌باشد.  
زمان حضور در برنامه سمت خدا: تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ و مجدداً از زمستان ۱۳۸۹ تا کنون.

**نقل می‌کنید؟**

مرحوم آقای مهندسی اخلاص فوق‌العاده‌ای داشت. پس از چند جلسه، ایشان آمدند و دو بار من را قسم دادند به اینکه اگر یک روزی فهمیدید کسی بهتر از من می‌تواند اینجا تبلیغ دین بکند، تعارف نکنید که بگویید زشت است، به من بگویید نیایم.

**■ یک خاطره از تلخ و شیرین‌های برنامه سمت خدا تعریف می‌کنید؟**

یک بار در برنامه دکتر رفیعی، خانمی گله کرده بود که همسر من مرد خوبی است، اما به من پول نمی‌دهد. دکتر گفت برو خدا را شکر کن، خوب بود معناد بود ولی پول زیاد می‌داد؟ بعداً در پیام‌ها یک آقایی نوشته بود که «من یک نانوا هستم که معناد هستم، چیزی هم برای خانواده کم نمی‌گذارم و من همسرم را تشویق کردم که برنامه شما را ببیند. امروز صبح وقتی با هم، سمت خدا را می‌دیدیم و شما این حرف را زدید، من خیلی احساس خجالت کردم.» این پیام را هفته بعد در برنامه خواندیم و به طور شخصی هم دخترخواهی کردیم که دوست نداشتیم این اتفاق بیفتد.

یک بار هم حاج آقا نقویان گفتند: «نام خوب برای فرزندان انتخاب کنید نه یک اسم گرگوری!» بعد از آن ما چند پیام داشتیم که من مسیحی هستم و نام یک طایفه از

و شماره کارشناس‌های برنامه را می‌خواهند؛ اما می‌گوییم به روحانی محل خود مراجعه کنند. وقتی کارشناسی دینی با لباس شخصی باشد ما چگونه مردم را به او ارجاع بدهیم؟ اگر وارد مسجد شود و کسی این آدم را نشناسد، حتی اگر کوهی از اطلاعات باشد، کسی به او مراجعه نمی‌کند. اما تا لباس روحانیت می‌پوشد مورد سؤال قرار می‌گیرد. ما دنبال این بودیم که مردم را به روحانیت ارجاع بدهیم. خیلی وقت‌ها در پیام‌ها هست که من نمی‌توانم با روحانی مسجد ارتباط برقرار کنم، اما پای حرف‌های روحانی برنامه شما می‌نشینم. ما سطح انتظار مردم از روحانی را بالا برده‌ایم.

**■ خاطره‌ای از مرحوم حاج آقای مهندسی**

**منتخب**

■ ما در سمت خدا می‌خواهیم نقش آن شاگرد شوهر را بازی کنیم. پیام‌هایی بسیاری داریم که «من پای صحبت هیچ روحانی نمی‌نشینم، اما برنامه شما یک چیز دیگرست!» کارشناس‌های برنامه ما یک چیز دیگر نیستند، فقط ما این دو گروه را کنار هم نشان‌دهیم و ادیبانشان را به هم نزدیک کردیم و دغدغه‌های آنها را به هم منتقل کردیم

■ تلویزیون رسانه فرهنگ‌ساز نیست، بلکه فرهنگ‌گستر است. به ما به عنوان تهیه‌کننده برنامه تلویزیون، باید اطلاعاتی را بدهند و ما اشاعه بدهیم

نمی‌نشینم، اما برنامه شما یک چیز دیگرست!» کارشناس‌های برنامه ما یک چیز دیگر نیستند، فقط ما این دو گروه را کنار هم نشان‌دهیم و ادیبانشان را به هم نزدیک کردیم و دغدغه‌های آنها را به هم منتقل کردیم. ما همه ادیبانی را که یک جوان می‌تواند با یک روحانی داشته باشد، در برنامه روی آنتن بردیم. این نخستین گام بود. نگاه دوم ما جستجو در این باره است که چه چیزی در تبلیغ دینی ضرورت دارد؟ طلبه‌های ما باید به نیازهای دینی طرفیان بیشتر دقت کنند. نیاز نسل جوان ما ارتباط است و آرامش و زیبایی‌هایی که از دین می‌شود به آنها انتقال داد. حالا ما چه کارشناسی را انتخاب می‌کنیم؟ کارشناسی که اینها برایش دغدغه باشد و به قول آقای نقویان به «لسان قوم بزند نه به لسان قم!» و حکیم باشند، چرا که بدون حکمت پاسخ دادن ممکن است کار را خراب کند.

**■ چرا کارشناسان برنامه همه روحانی هستند، روی این موضوع تأکید خاصی دارید؟**

بله، اصرار داریم حتماً روحانی باشند. خیلی از کسانی که خوب صحبت می‌کنند می‌شناسیم و ارادت داریم، اما پا توجه به ایده‌هایی که داریم، باید حتماً روحانی باشند. روحانی تا لباس می‌پوشد مورد سؤال مردم است. روزی هزار نفر تماس می‌گیرند



### سرکار خانم فروغ نیلچی زاده



### حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی ماندگاری

سال تولد: ۱۳۴۶ - تهران  
تحصیلات: کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی.  
کسب مدرک دوره همیوپاتی (طب مکمل) از دانشگاه علوم پزشکی ایران  
اساتید: آیت‌الله سیدجلال آشتیانی، حجت الاسلام محمود فاضل، آیت‌الله امامی کاشانی، آیت‌الله مصطفوی، آیت‌الله موسوی بجنوردی، آیت‌الله مرعشی، دکتر دینانی، دکتر اعوانی.  
مسئولیت‌ها: مشاور سازمان ملی جوانان در امور دختران، زنان و خانواده، عضو هیئت مؤسس نهاد رهبری در دانشگاه‌های مختلف.

متولد: ۱۳۴۳ - مشهد  
تحصیلات:  
خارج فقه و اصول، فوق لیسانس علوم سیاسی.  
اساتید برجسته:  
حضرات آیات فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و جوادی آملی.  
مسئولیت‌ها: مسئول سابق نهاد رهبری در دانشگاه علم و صنعت و عضو هیئت امنای مؤسسه روایت سیره شهدا.  
زمان حضور در برنامه سمت خدا: از زمستان ۱۳۸۸ تاکنون.

داده است. در پاسخ به اینکه چه برنامه‌هایی به این سؤال‌های دینی جواب داده است، برنامه سمت خدا، در بین ۱۵ برنامه با ۳۴ درصد اول شده‌است و پاسخ مثبت برای سایر برنامه‌ها از رتبه ۳ به بعد زیر ۴ درصد است.  
ما فصل تابستان روزانه بین ۷۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ پیام از قومیت‌ها و حتی از کشورهای مختلف داشتیم که پیام‌های برنامه ما فقط سؤال بینندگان است چون مسابقه و نظرسنجی نداریم. حتی از ایرانیان خارج از کشور نظیر کانادا، سوئد و بحرین به ما پیام داده‌اند.

#### ■ و حرف آخر؟

چند ماه است تلاش می‌کنیم که برنامه تمام شود. اما تلویزیون اهل ریسک کردن نیست که برنامه‌ای را در اوج متوقف کند. البته بهتر است که برنامه‌ای در اوج تمام شود و مردم هم با خاطرات خوب برنامه را تمام کنند. به‌رحال تمام کردن یک برنامه در اوج، به جسارت و شجاعت نیاز دارد. خودم خسته نشدم، اما احساس می‌کنم نیاز به تجدید قوا داریم. منظورم این است که الآن که در اوج هستیم به‌قولی روی شمعک برویم، هفته‌ای یک برنامه داشته باشیم و تجدید قوا کنیم تا زمانی با دست پر بازگردیم. ان‌شاءالله.

و برکات آن حرف بزند که به اندازه جا نماندن از پرواز تهران - لندن برایش مهم بشود که نماز صبح خواب نماند. در برنامه‌های ضبطی این‌گونه پاسخ‌ها را حذف می‌کنیم. مثلاً یک‌بار در برنامه ۴۵ دقیقه‌ای ضبطی من ۱۳ دقیقه را به دلیل این‌گونه پاسخ‌ها حذف کردم.

#### ■ آماری هم در مورد مخاطبان برنامه دارید؟

در نظرسنجی مرکز تحقیقات صداوسیما به این پرسش که تلویزیون چه مقدار در بیان مسائل دینی موفق بوده است؟ ۵۲ درصد سؤال‌شوندگان گفتند تلویزیون تأثیری ندارد و ۴۸ گفتند به برخی از پرسش‌های دینی پاسخ

مسیحیان، همین «گرگوری» است که هفته بعد در برنامه عذرخواهی کردیم.  
راضی نیستیم کلام ما در برنامه، گناه‌کاری را تحقیر کند. بازخورد این برنامه را ما می‌فهمیم، اما چه بسیار منبرها و سخنرانی‌هایی که این اتفاق را در دل مردم می‌اندازد که ما خبر نداریم، پس باید نسبت به انسان‌ها و کلامی که برای بیان معارف دینی به کار می‌بریم، خیلی دقت داشته باشیم.

#### ■ برنامه سمت خدا چه کمک‌هایی می‌خواهد؟

ما دستورات خیلی خوبی در دین داریم، اما کاربردی شدن اینها نیازمند تلاش بسیاری است که کم اتفاق می‌افتد. تلویزیون رسانه فرهنگ‌ساز نیست، بلکه فرهنگ‌گستر است. به ما به عنوان تهیه‌کننده برنامه تلویزیون، باید اطلاعاتی را بدهند و ما اشاعه بدهیم.  
در بحث کارشناسی، کسانی که فکر داشته باشند و قابلیت مطرح شدن در چند جلسه را داشته باشند، کم هستند. پیام داده‌اند که من اهل نماز ظهر و عصر هستم و نماز صبح خواب می‌مانم، کارشناس می‌گوید شما شب زودتر بخوابید و ساعت هم کوک کنید. اینکه به عقل خود مخاطب هم می‌رسد و پاسخ کارشناسی نشد. کارشناس باید چنان در مورد نماز صبح

#### منتخب

■ روحانی تا لباس می‌پوشد مورد سؤال مردم است. روزی هزار نفر تماس می‌گیرند و شماره کارشناس‌های برنامه را می‌خواهند؛ اما می‌گوییم به روحانی محل خود مراجعه کنند. وقتی کارشناسی دینی با لباس شخصی باشد ما چگونه مردم را به او ارجاع بدهیم؟  
■ چند ماه است تلاش می‌کنیم که برنامه تمام شود. اما تلویزیون اهل ریسک کردن نیست که برنامه‌ای را در اوج متوقف کند. البته بهتر است که برنامه‌ای در اوج تمام شود و مردم هم با خاطرات خوب برنامه را تمام کنند



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا رنجبر



حجت الاسلام والمسلمین مسعود عالی

تاریخ تولد: ۱۳۴۵ - داراب  
 اساتید برجسته: حضرات آیات حایری شیرازی، مکارم شیرازی، پایانی، اعتمادی، وجدانی فخر.  
 تحصیلات: خارج فقه و اصول.  
 مسئولیت‌ها: معاون فرهنگی نهاد رهبری در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، امام جماعت مسجد بلال صدا و سیما.  
 تألیفات: فاطمه واژه بی خاتمه، پند یا بند، دم بی دوام، به جوانان وطنم، سلوک باران، باران حکمت  
 زمان حضور در برنامه سمت خدا: تابستان و پاییز ۱۳۸۸ و تابستان و پاییز ۱۳۸۹.

تاریخ تولد: ۱۳۴۲ - تهران  
 تحصیلات:  
 خارج فقه و اصول، کارشناسی جامعه شناسی.  
 اساتید برجسته: حضرات آیات شیخ جواد تبریزی، مکارم شیرازی، بهجت، مصلحی اراکی.  
 مسئولیت‌ها: عضو هیئت امنا و سرپرست مرکز جامع علوم اسلامی که در زمینه تولید نرم‌افزار فکری جهت اداره حکومت اسلامی فعالیت می‌نماید.  
 زمان حضور در برنامه سمت خدا: بهار و تابستان ۸۹ و از تابستان ۹۰ تاکنون.

مقصد ۲

اخبار ماه

## هر دوازده سال یک نفر!

عبدالمجید رکنی

او گذشته، سخن گفته؛ (قال رب انی دعوت قومی لیلا و نهارا، فلم یزدھم دعائی الا فرارا و انی کلما دعوتھم لتغفر لھم جعلوا اصابعھم فی اذانھم و استغشوا ثیابھم و اصروا و استکبروا استکبار).  
 به تاریخ که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بعد از این همه سختی و مرارت و این همه سال‌های طولانی تبلیغ، حدود هشتاد نفر به دست ایشان هدایت شدند و از عذاب طوفان الهی رهایی یافتند. حالا اگر ۹۵۰ سال تبلیغ را بر ۸۰ نفر تقسیم کنیم، عدد ۱۲ سال به دست می‌آید، یعنی در هر ۱۲ سال یک نفر، آن هم با انرژی حضرت نوح علیه السلام!  
 این را نگفتم که بترسیم و قدم در این راه نگذاریم، خواستیم بگویم کاری که برایش این قدر اجر قرار داده شده، سختی‌های خاص خودش را دارد و صدا البته این سختی‌ها با آن پادشاه‌ها شیرین خواهد شد.  
 و اما حرف آخر اینکه اعتقاد دارم به لطف الهی که ما را امت مرحومۀ پیامبر آخر الزمان قرار داده و بسیاری سختی‌ها و عقوبات را به مرحمت نبی مکرم اسلام از ما برداشته، سختی‌های هدایت را در بسیاری از موارد از بیرون این امت برداشته، لذا چه بسیار به مواردی برخوردیم که افراد با یک جمله یک مبلغ دینی دلشان تکان خورده و رو به خدا آورده‌اند. بی شک همه اینها لطف خداوند به دوستداران اهل بیت است. فقط خواستیم بگویم که در این وانفسا، همه مجاهدت‌های ما در هر عرصه‌ای برای تبلیغ دین، به لطف برکت کریمانه الهی می‌تواند سر منشأ خیر و هدایت شود. خسته نشویم و به راهی که می‌پیامیم ایمان داشته باشیم و همچون پیامبر دلسوز برای همه بندگان خدا! به مواهب هدایت بیندیشیم و از سختی‌های لحظه‌ای نهراسیم.

قدم در وادی تبلیغ دینی که می‌گذاری، تنها و تنها باید به هدایت فکر کنی. به روایات اهل بیت که نگاه می‌کنی، آن قدر از اجر هدایت گفته‌اند که ذوق می‌کنی و دوست داری که خدا توفیق دهد و کسی به دست هدایت شود. بعضی وقت‌ها آن قدر ذوق زده می‌شویم که تصمیم می‌گیریم با یک سخنرانی کوتاه و یا یک برنامه تلویزیونی نیم‌ساعته تمام جماعتی که پای سخنانمان نشستند را به راه راست هدایت کنیم. اما داستان انبیا را که در قرآن می‌خوانیم می‌بینیم که انگار کار کمی سخت‌تر از آن چیزی است که ما فکر می‌کردیم و البته بسی ارزشمندتر.

می‌بینی حضرت نوح علیه السلام، پیامبر اولوالعزمی که بارها نامش در قرآن آمده، ۹۵۰ سال به کار هدایت خلق مشغول بود و قرآن هم از سختی‌هایی که بر



## از «سمت خدا» تا «نزد خدا»

یادی از حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی مهندسی



معارف اسلامی قم، تدریس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه علمیه قم، مؤسسه علمی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، مؤسسه امام صادق علیه السلام و استاد اخلاق مدارس علمیه قم و عضویت در هیئت علمی مجمع عالی حکمت اسلامی. او کتاب‌هایی چند نیز به رشته تحریر درآورده بود. از آثار صوتی و تصویری منتشر شده از استاد فرزانه، مرحوم محمد مهدی مهندسی، می‌توان به دوره آشنایی با عرفان نظری، دوره عرفان عملی، دوره اسرارالصلاح، دوره تفسیر زیارت جامعه کبیره، تفسیر دعای ندبه و مباحث خانواده اشاره کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین مهندسی از زمستان ۱۳۸۸ تا تابستان ۱۳۸۹ و مجدداً از زمستان ۱۳۸۹ تا بهار ۱۳۹۰ در برنامه سمت خدا حضور داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی مهندسی، در سال ۱۳۳۲ در شهر آباده چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۵۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم شد. استاد خارج فقه و اصول ایشان آیت‌الله العظمی حاج میرزا جواد تبریزی بود و مدتی نیز از درس خارج اصول آیت‌الله العظمی سبحانی استفاده کرد. اسفار را در محضر حکیم الهی آیت‌الله انصاری شیرازی گذراند و تمهیدالقواعد ابن ترکه، شرح فصوص الحکم و مصباح‌الانس را در خدمت آیت‌الله العظمی یحیی انصاری شیرازی فراگرفت. وی از محضر حکیم متأله آیت‌الله العظمی جواد آملی، حضرت علامه حسن حسن‌زاده آملی و آیت‌الله مشکینی نیز استفاده کرد. از جمله فعالیت‌های او عبارت بود از مدیریت گروه اخلاق دانشگاه

# طیب به مزاج نگاه می‌کند

محمد مهدی ماندگاری

سلیقه و ذوق می‌خواهد. بخش چهارم تبلیغ، توفیقات است. چون مبلغ می‌خواهد از طرف خدا حرف بزند؛ «الذین یبلغون رسالات الله» اگر به خدا وصل نباشد، باید فیلم بازی کند. اینها آموزش و تربیت می‌خواهد. پیغمبر و اهل‌بیت علیهم السلام وقتی به یک نفر می‌رسیدند، می‌گفتند رکن ایمان صبر است. به یکی می‌گفتند رکن ایمان یقین است. به یکی دیگر می‌گفتند رکن ایمان خوف و رجاء است. به مصداق نگاه می‌کردند. به قول امروزی‌ها، طیب به مزاج نگاه می‌کند.

نخستین بخش تبلیغ، تعلیمات است. در تبلیغ، تعلیمات لازم داریم؛ چون تبلیغ یک علم است، علم بیان. باید معارف دین را بشناسیم، آن هم نه شناخت کلی.

ما به‌طور کلی می‌گوییم دین گفته عادل و منصف باشید، با تقوا و باخدا باشید. اما باید شناخت‌های جزئی ارائه کنیم. مبلغ باید قدرت استنباط و اجتهاد داشته باشد؛ نه اجتهاد فقهی، اجتهاد تبلیغی. مبلغ باید به این نکته‌ها برسد. او به یک شهر می‌رود و صدها معزل فردی، خانوادگی و اجتماعی را می‌بیند. اگر بخواهد با کلی‌گویی با این معزلات روبه‌رو شود، به درد نمی‌خورد. اینکه بگوییم مردم باحیا باشید، به درد نمی‌خورد. حیا را باید در روابط خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی نشان داد.

دومین بخش تبلیغ، تمرینات است. تبلیغ علاوه بر اینکه علم است، مهارت هم هست. این مهارت تمرین می‌خواهد؛ فقط با دانستن نمی‌توان کار کرد.

سومین بخش، تزئینات است. چون تبلیغ هنر است، تزئین هم می‌خواهد. سلیقه هنرمندان‌های می‌خواهد که انسان در سه دقیقه بتواند مخاطب را مجاب کند. یکی از چیزهایی که در عرصه رسانه کم داریم، مبلغان سه دقیقه‌ای است.

یک‌بار به رئیس صدا و سیما عرض کردم شما اخبار شصت‌ثانیه‌ای گذاشته‌اید، چرا منبر شصت‌ثانیه‌ای نمی‌گذارید. مطلب سه‌ساعتی را در یک دقیقه گفتن و کم نگذاشتن، اصل و عصاره بحث را گفتن، هنر و



# مدار صفر درجه

|| امروز وال استریت، تراکم همه شکست‌ها و یأس‌ها و سرخوردگی‌های جهان مدرن است ||

## ■ آخرالزمان

فیلم‌ها و افسانه‌ها از آن‌رو که تخیلات را شبیه‌سازی می‌کنند به یکدیگر می‌مانند، و اکنون در آستانه ۲۰۱۲ افسانه و سینما با هم در آمیخته‌اند تا وعده پايان جهان را بدهند. ده‌ها صفحه مجازی و گروه واقعی، هوادار رویدادی بزرگ‌اند که در چند ماه آینده رخ می‌دهد. آنها مدعی پایان جهان‌اند و ترس به‌جامانده از این رویارویی نهایی و آخرین غلبه مغرب زمین. این افسانه را سال‌هاست که می‌گویند و می‌خوانند و می‌شنوند و آیا اکنون درهم‌ریخته سیرت و صورت ایالات متحده، هویداکندنده چنین هیاهویی نیست؟ آیا این نمی‌تواند همان بازتولید ایده انفجار برج‌های دوقلو در ۲۰۰۱ برای فرار از رکود و سقوط باشد؟ آیا این بازی دیگری طراحی شده در کمیته ۳۰۰ برای تمهید مقدمات برتری مطلق نیست؟ می‌تواند همه اینها باشد و نباشد، اما چه باک که ما نیز چشم‌انتظار روز موعودیم. این ماجراها، چه اشتراک لفظی باشد و نباشد، بیانگر توافقی جهانی است بر سر عبور از وضع موجود؛ انحطاط هر آنچه که هست و رفتن به سوی آنچه باید باشد؛ روز رستن و رستاخیز. مگر نه این است که در آنچه به ما رسیده، خواننده‌ایم که بیداری مسیحیان، بیش و پیش از دیگران است؟ پس چرا به پیشاب چنین بیداری بزرگی نرویم و سرودخوانش نشویم؟

## ■ مرز بی‌بازگشت

غرب در آستانه تحولی است، هر چند می‌تواند آن‌چنان که دوست می‌داریم، نباشد و مردمان خاورمیانه در تاملیم بیداری اسلامی که آن هم می‌تواند درست مطابق الگوی ایران نشود. اسلامی بومی با خواسته‌هایی ملی و مترقی. اکنون جای گفت‌وگوست و نظریه‌پردازی و ایده‌سازی. ده‌ها مقاله و نوشته می‌بایست توصیف‌گر آن چه باشند که در گرداگرد ما می‌گذرد: انقلاب‌های بی‌رهبر، رهبران بی‌مردم، مردمان بی‌آشوب، آشوب بازارها و دلال‌ها و چه بسیار حرف‌های دیگر. هر آینه حوزه علمیه برای پرداختن به این مبانی و مفاهیم به میدان فراخوانده می‌شود. مگر نمی‌توان در باب اقتصاد غربی و پیامدهایش حرف زد و الگوهای اسلامی را به بحث گرفت، کما اینکه در برخی دست‌نوشته‌های ساکنان معترض پارک زاکوئی نیویورک، چنین عباراتی موجود بود. مگر نمی‌توان مبانی مدرنیته را به پرسش گرفت و از طرح نوگرایی دفاع نکرد و روز نقشه، بر آب شدن نقش اثبات‌گرایی را به نظاره نشست. این روزها، روزهای تکرارشدنی‌اند و حوزه را سزد میدان‌دار چنین میانه پر اما و اگر می‌شود.

■ ■ ■

اما امروز وال استریت، تراکم همه شکست‌ها و یأس‌ها و سرخوردگی‌های جهان مدرن است؛ جایی که ۹۹ درصد می‌خواهند، انگشت اشاره‌شان را به نشانه توقف، رو بدان‌سو بگیرند و از حرکت بازدارند. جایی که حتی باراک اوباما که زمانی می‌خواست در هیئت مارتین لوتر کینگ، طلایه‌دار ایالات متحده پس از رکود باشد، باید به دنبال آدم اسمیتی بگردد که بتواند معماهای در هم فرورفته دولت رفاهی را حل کند. جایی نزدیک در مرکز همه کشورهای مدرن‌شده ینگه دنیا، لحظه به پایان رسیدن مدار صفر درجه تجدد.

وال استریت، تقاطع توانمندی‌ها و نیازمندی‌های مدرنیته است؛ جایی که همه چیز عالم و آدم در آن، قیّم‌آبانه قیمت‌گذاری می‌شود و این قیمت‌ها هستند که تعیین‌کننده هر ارزشی به شمار می‌روند. این نشانه دست‌ساخته بشر نوین، اکنون نه زیر تیغ جراحی، بلکه زیر چشم هزاران میکروسکوپ انسانی است تا پیوندهای مشروعیت‌بخش آن از هم بگسلد و چنان شود که افتد و دانی.

متن حاضر، نوشته‌ای شورانگیز در ستایش جنبش تسخیر وال استریت نیست (چه اینکه بی‌گمان سیطره جهان سلطه، با پنجه‌های پولادینش که در دستکشی مخملین مخفی شده، این جنبش را در هم خواهد شکست و آن‌را جزئی از تاریخ خواهد کرد)، بلکه متنی است در ایراد پرسش‌هایی علیه نظم نوین.

## ■ حکایت تام و جری

اسلاوی ژبژک که با سخنان آتشینش چهره‌ای جسور در ترسیم روزگار ماتم‌زده غرب به شمار می‌رود و مثالی دارد تکراری، در تشبیه وضع همه چیز عالم به ماجراهای انیمیشن تام و جری و لحظه گریختن تام و فروافتادن جری (که در آن لحظه نمی‌داند کیست و کجاست و چه بر سرش آمده) در سخنانی میان معترضان وال استریت، از حضاران می‌خواهد آنجا را ترک نکنند، چه اگر چنین کنند، سال بعد و سال‌های بعد تنها باید میراث‌دار خاطره‌های گنگ و بخت‌برگشته باشند و اگر بمانند می‌توانند صدایشان را به جایی برسانند. حرف اصلی او آنجایی است که می‌گوید در غرب همه آزادند، اما نمی‌دانند که اصلاً این آزادی چیست و یا آزادند که آزاد باشند یا نه؟ معنای آزادی تحریف شده و آنچه بر جا مانده، تصویری از آزادی است. او ادامه می‌دهد: ما استاندارهای بالاتری برای زندگی نمی‌خواهیم، استاندارهای بهتری برای زندگی کردن می‌خواهیم.

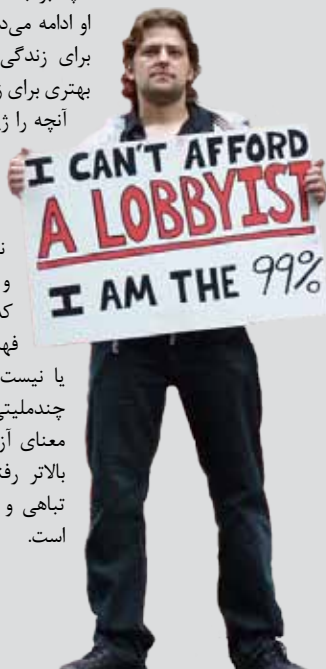
آنچه را ژبژک واگویی می‌کند، نمودار وحشت از زندگی مدرن و متجددی است که آنجا هست، اما چیزی در آن نیست. همه چیز گویای رفاه و بهترین‌ها بودن است، اما با کدام سنج و فهم می‌توان فهمید که این بهترین هست یا نیست؟ جایی که امپراتوری‌های چندملیتی، تعیین‌کننده بود و نبودند، معنای آزادی چه می‌تواند باشد جز بالاتر رفتن؟ بالاتر رفتنی که تنها تباهی و انحطاط در پیش روی آن است.



■ فرشاد مهدی‌پور

مقصد ۲

اخبار ماه



← 1-9  
WALL ST

← 60-90  
BROADWAY  
CANYON OF HEROES

دهها مقاله و نوشته می‌یابست  
توصیف‌گر آن چه باشند که در  
گرداگرد ما می‌گذرد: انقلاب‌های  
بی‌رهبر، رهبران بی‌مردم،  
مردمان بی‌آشوب، آشوب بازارها  
و دلال‌ها و چه بسیار حرف‌های  
دیگر. هر آینه حوزه علمیه برای  
پرداختن به این مبانی و مفاهیم به  
میدان فراخوانده می‌شود